



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۶  
یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریل

# امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا مجری تروریسم بین المللی

دولت جدید آمریکا، به «ابتکار» ریگان و شرکاء، تبلیغات نوینی را بخدمت گرفته مینی بر اینکه، منبع «تروریسم بین المللی» اتحاد شوروی است! ضمناً از سخنان مقامات رسمی امریکائی، از جمله وزارت خارجه امریکاء، معلوم است که منظور آنها از «تروریسم بین المللی» تبلیغاتی است که اتحاد شوروی بسود جنبش‌های آزادیبخش انجام می‌دهد و حمایتی است که این کشور از مبارزات آزادیبخش خلقها بعمل می‌آورد.

پدینسان، مبارزات مسلحانه رهاپخش خلقهای کشورهای هندوچین، که ابتدا برای رهایی از چنگ استعمار فرانسه و سپس برای رفع تجاوز امپریالیسم امریکا صورت گرفته، جنگ ضداستعماری خلق الجزایر، مبارزات مسلحانه خلقهای آنکولاه موزامبیک و کینه بیسائو علیه استعمارگران پرتغال، بردهمسلحانه خلق زیمبابوه برضد رژیم نژادپرست رودزیا و... بدعوی زمامداران نبون در واشنگتن، حلقات زنجیر «تروریسم بین المللی»

بوده‌اند، که به تحریک و به کمک اتحاد شوروی و دوستانش انجام گرفته‌اند! غرض از این «تفسیر» حوادث تاریخی، فقط تعریف تاریخ مبارزات آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها نیست. غرض از این «تاریخ‌شناسی» زدن برچسب «تروریسم» به تمامی جنبش‌ضد استعماری، ضد امپریالیستی، ضد نژادپرستی و ضد فاشیستی، تمامی جنبش‌های بخش‌واستقلال طلبانه و آزادیخواهانه خلقهاست، که در بقیه در صفحه ۴

چپبه نبرد روانسی = ایدئولوژیک = سیاسی نوین امپریالیسم امریکا علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، علیه جنبش‌های آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها، علیه صلح و امنیت بین المللی، زیر عنوان «تروریسم بین المللی»، چپبه نیردی جدی است. برای شکستن امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، در این چپبه نیز، همکاری رزمنده جنبش‌های آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها و همه نیروهای صلحدوست، دمکراتیک و مترقی یا جنبش اصیل کمونیستی و کارگری جهانی، ضرور است.

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری  
حزب انقلابی خلق مغولستان (۱۰ اسفند ۱۲۹۹)

رفقای گرامی!  
شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب انقلابی خلق مغولستان را به شما و، از طریق شما، به همه کمونیستها و زحمتکشان جمهوری خلق مغولستان شادباش میگوئیم.

تاسیس حزب انقلابی خلق مغولستان رویدادی بود سترگ و تاریخی در زندگی مردم و زحمتکشان مغولستان. خلق مغولستان، به رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی خود و پس از انقلاب خلقی ۱۹۴۹، نه تنها بر میراث شوم فئودالیسم و وابستگی عمیق اجتماعی چیره شد، بلکه با جبهی تاریخی، بدون عبور از مشقات و رنجهای مرحله سرمایه داری، به ساختن جامعه سوسیالیستی دست یازید. مردم مغولستان، در این گستره، هواره از کمکهای همه جانبه، برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی برخوردار شده‌اند.

حزب انقلابی خلق مغولستان پیوسته پشتیبانی خود را از مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران و حزب توده ایران ابراز داشته و پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، نیز به همبستگی انترناسیونالیستی خویش ادامه داده است.

حزب توده ایران، ضمن سپاسگزاری از همبستگی یندریخ حزب انقلابی خلق مغولستان و خلق مغولستان با حزب ما و مردم ایران، پیروزیهای هرچه بیشتر حزب برادر را در رهبری مردم مغولستان بسوی تحکیم جامعه سوسیالیستی خواستار است.

اعتقاد راسخ داریم که مناسبات میان حزب توده ایران و حزب انقلابی خلق مغولستان در آینده نیز، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتری و بسود خلقهای دو کشور، تحکیم و گسترش خواهد یافت.

با درودهای برادرانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول: نورالدین کیانوری

## رئیس جمهور در قبال مطالب روزنامه «انقلاب اسلامی»، از خود سلب مسئولیت کرد

استادار اصفهان، در گفتگویی با خبرگزاری پارس، اظهارات آقای بنی صدر رئیس جمهور را در مورد روزنامه «انقلاب اسلامی» و «دفتر هماهنگی» نقل کرده است. استادار اصفهان گفته است: «آقای رئیس جمهور در مورد مطالب مندرج در روزنامه انقلاب اسلامی و اطلاعیه‌های دفتر هماهنگی و کسان دیگری که بطرفداری از ایشان دست به اقداماتی زده‌اند، گفت: من مسئولیتی در قبال روزنامه انقلاب اسلامی ندارم و اینگونه مسائل را به دادگاه ارجاع نمی‌دهم.» (اطلاعات، ۶ اسفند ماه و دیگر روزنامه‌ها)

## حملات هوایی دشمن به دزفول خنثی شد

رزمندگان ایرانی در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، مواضع اسلامی ایران، در اعلامیه ۴۱۸ تازهای به دست آوردند. بقیه در صفحه ۴

## اجرای بند «ج»

روزی که اعلام شد «فلاویوس موقت» اجرای بند «ج» قانون واگذاری زمین متوقف میشود، تا در شرایط مساعدتری دوباره آغاز گردد، معلوم شد که اعمال فشارها و تضيقات، جوسازیها و تبلیغاتیکه بزرگ مالکان و خاندان، ترتیب داده بودند، متساقفانه، منترنس واقع شده و انقلاب، به ناچار، اگرچه بطور موقت، دست به يك عقب نشینی زده است.

پس از یکدوران پرتلاش تحقیق و فعالیت هیئتای هفت نفری مامور اجرای قانون - که در فروردینماه ۵۹ به تصویب قلمی شورای انقلاب رسیده بود - عمده ترین بخش قانون، یعنی بند های «ج» و «د» مربوط به اراضی بایر و دایر بزرگ مالکان معلق ماند و در واقع اصلاحات ارضی، که میرفت تازه آغاز شود، در نیمه راه متوقف ماند و دچار نشیب شد.

تعمیق موقتی بند «ج» جشن بزرگ مالکان بود، علامت آغاز یورش همه جانبه آنان بر انقلاب و بن روستائیان بود. بدیهی بود که در جشن آنان، همه لیبرالها و آمریکا دوستان و زرادبوزان و روحانی نمایان بنا شادی شرکت کنند. اینان خود زمینه ساز این

تعمیق و تحمیل کننده آن، در شرایط تهاجم عمومی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و جنگ تحمیلی رژیم صدام، بودند. متوقف شدن فعالیت‌های هیئتای هفت نفری، عزای میلیونها دهقان زحمتکش بود، و طبیعی بود که در غم اینان، که آنهمه امید به انقلاب و ثمرات آن بسته بودند، همه انقلابیون صدیق، همه طرفداران تعمیق و گسترش انقلاب، کلیه مسئولان متمم دوراندیش جمهوری اسلامی و همه افراد فداکار و مبارز نهادهای انقلابی، بویژه درجهاد سازندگی و سپاه پاسداران و نهضت سوادآموزی و البته خود هیئت هفت نفری عمیقاً شریک و مسیم باشند.

بی تردید اعلام تعمیق موقتی بندهای «ج» و «د» به شرایط حساس ناشی از جنگ تجاوزی آمریکا بدست صدام و به کشتن پایتیزه اسال و به آرامش محیط دهات، که از جانب محافل معینی تهدید به اغتشاش میشود، مربوط بود و در عین حال، همانطور که ستاد زمین هم اعلام کرد، اصل مسئله همان «اعمال فشار و تضيقاتی» بود که بزرگ مالکان و فئودالها توسط ایادی خود بوجود آوردند.

## گزارش نیکلای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

درباره برنامه پنجساله اقتصادی

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، که روز ۴ اسفند ۵۹ در مسکو گشایش یافت، به کار خود ادامه میدهد. در جلسه بامداد روز هشتم اسفند ۵۹ نیکلای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، در

باره جهات عمده برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی و دورنمای ترقیات اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۹۰ به کنگره گزارش داد. بقیه در صفحه ۴

## دو کلمه درباره میتینگ لیبرالها

در این گزارش آمده است که در برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی، مانند برنامه‌های گذشته، بیش از هر چیز به بالا بردن سطح رفاه زندگی مردم در بقیه در صفحه ۴

- خواست عمومی و حقه میلیونها دهقان زحمتکش را برآورده میسازد.
- جلو جنایات و غارت خوانین و عمده مالکین قلدر را میگیرد.
- یکی از پایگاههای اصلی آمریکا و توطئه‌های آنرا از بین میبرد.
- دست مسئولان متعهد را در اجرای برنامه‌های نوسازی کشور باز میکند.
- نهادهای انقلابی را از علاقه و احترام و پشتیبانی میلیونها روستائی برخوردار میکند.
- اصلاحات ارضی واقعی را وارد مرحله اعتلائی جدید میکند و بدوران نشیب و عقب نشینی انقلاب پایان می‌دهد.

و جلوگیری از توطئه‌های آن لازمست که بند «ج» اجرا شود؛ برای حفظ منافع مستضعفان، که اکثریت عظیم آنان در دهات هستند، لازمست بند «ج» اجرا شود. بقیه در صفحه ۵

## همزبانی ضد انقلاب ولیرالها

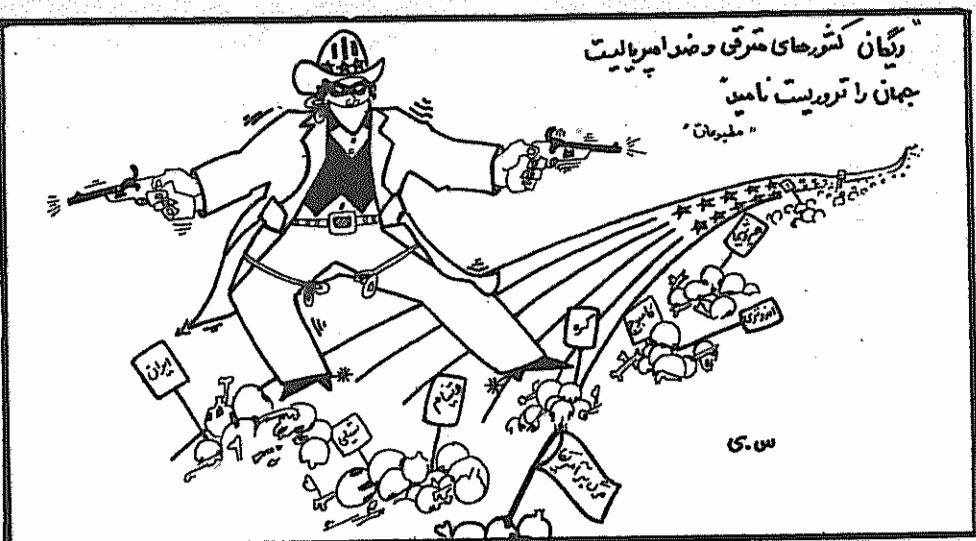
رادیو بختیار «برهلا کردن خیاتهای حزب توده که در دو سال گذشته با رقتن زیر عبای ملایان و حمایت بی چون و چرا از سیاست ضد ملی و ضد مردمی آنها مورد نفرت و انزجار همگان قرار گرفته است، می‌تواند بهترین وسیله برای جلب مردم باشد.» «دستگاه رهبری حزب توده در صدد است تا بر خیاتها و فرصت طلبی‌های خود پرده بکشد» (از برنامه جمعه، ۸ اسفند ۵۹)

دکتر یزدی «چطور شده است که ادعای يك حزب مارکسیستی مینی بر خط امام بودن، علیرغم آنهمه خیات، قابل قبول شده است.» «دشمنان انقلاب اسلامی ایران، همان توده نغتی‌ها هستند.» (از سخنرانی روز پنجشنبه ۷ اسفند ۵۹ در امجدیه)

رادیو بختیار: «کاری که خمینی برای توده‌های‌ها کرد، خود توده‌های‌ها هم... نمی‌توانستند.» دکتر یزدی: «مگر طرفداران حکومت «دیکتاتوری پروتاریا و استالین جز این میکردند؟» (همان سخنرانی)

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### ریگان کشمکش شرق و غرب را بر سر میز میگذارد



### امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱

حال حاضر جریان دارد. به نظر ریگان، هم مبارزات سازمان آزادیبخش فلسطین برای داشتن کشور و دولت مستقل «تروریستی» است، هم رژیم خمینی و انقلاب ایران «تروریستی» است، هم مقاومت خلق نامیبیا در برابر اشغالگران فاشیست آفریقای جنوبی «تروریستی» است، هم جنبش ضد نژادپرستی در خود آفریقای جنوبی «تروریستی» است، هم نبرد قهرمانانه مین پستان السالوادور علیه رژیم نظامی پلیسی دست نشانده آمریکا «تروریستی» است - و همه اینها «تروریسم بین المللی» است که ساخته و پرداخته مسکو است! اگر کسی این «منطق» را، که «سرگاکستریهای بین المللی» عرضه می کنند، بپذیرد، آنگاه باید قبول کند که تمام روند تاریخی مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبان «تروریسم بین المللی» است، از جمله باید قبول کند که جنگ استقلال مردم آمریکا در قرن هیجدهم برای رهائی خویش از یوغ انگلستان نیز اقدامی «تروریستی» بوده است که گناه آن برعهده انقلابیون انقلاب کبیر فرانسه است!

ولی هیچ بیفرسی چنین «منطقی» را نمی پذیرد و نمی تواند بپذیرد. و اما در مورد حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزات آزادی بخش خلقها، بجاست خاطر نشان شود که این حمایت منطبق با متن و روح حقوق بین المللی است. در منشور سازمان ملل متحد، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، برابری حق ملل و منع تبعیضات نژادی تصریح شده است و نیز قطعنامه مصوب پانزدهمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰، استعمار و برتری نژادی را غیر قانونی، و از لحاظ حقوق بین المللی، بزهکاری شناخته و استقلال را حق مسلم دانسته، که باید به کشورها و خلقهای استعمارزده واگذار شود. همچنین قطعنامه های پرشماری در سازمان ملل متحد تصویب گردیده اند که در آنها مبارزه خلقها برای کسب استقلال حق قانونی آنها شمرده شده است. یک نمونه مشخص و جالب، سازمان آزادیبخش فلسطین است، که دولت آمریکا آنرا سازمان «تروریستی» اعلام داشته، ولی این سازمان بعنوان ناظر در سازمان ملل متحد کرسی دارد و بعنوان یگانه نماینده خلق عرب فلسطین شناخته شده است. از سوی دیگر باید گفت که «تروریسم بین المللی» در واقع

وجود دارد و آنرا میتوان از جمله در حمایت آمریکا از رژیم دیکتاتوری خونخوار کره جنوبی بریاست جانوری نظیر «چون دوخو» مشاهده کرد، که مردم را به خون و آتش میکشد و زیر تانک و زره پوش نه میکند، به «جرم» اینکه آنها دیگر نمی خواهند زیر یوغ امپریالیسم آمریکا پس برند. «تروریسم بین المللی» را در تسلیح داروسه نظامیان حاکم در السالوادور توسط آمریکا میتوان دید که خلق بیخاسته استقلال طلب این کشور را قتل عام میکند. «تروریسم بین المللی» را در چهره پیونوشه فاشیست در شیلی میتوان تشخیص داد که بدست دولت آمریکا، از طریق کودتای نظامی، به خلق شیلی تحمیل شده و این کشور را بصورت قلنگاه استقلال طلبان درآورده است. «تروریسم بین المللی» در وجود دولت صهیونیستی اسرائیل نمایان است که از جانب آمریکا پول و اسلحه دریافت میکند و با اتکال به دولت آمریکا خلق فلسطین را در سرزمینی که متعلق به این خلق است، کشتار میکند و جنوب لبنان را به کشتارگاه بدل کرده است. مظهر «تروریسم بین المللی» حمایت دولت آمریکا از رژیم خونخوار آپارتاید در آفریقای جنوبی است که بکرات از جانب سازمان ملل متحد محکوم شده، ولی دولت آمریکا و متحدانش مانع از اجرای مجازاتهای مصوب علیه این رژیم سبع می شوند. «تروریسم بین المللی» را در تجاوز مسلح صدام جانی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میتوان رویت کرد که به تحریک آمریکای جنایتکار انجام گرفت و تاکنون هزاران کشته دهها هزار معلول و صدها هزار آواره جنگ، حاصل آن است. «تروریسم بین المللی» را در گروه های تروریستی افغانی میتوان دید که در خاک پاکستان بوسیله عمل «سیا» و ماموران نظامی آمریکائی و چینی تعلیم می بینند و مسلح می شوند و به افغانستان اعزام میگردند و در این کشور به جان و مال و ناموس مردم تجاوز میکنند، بقصد اینکه شاید بتوانند دوباره افغانستان را به زیر یوغ امپریالیسم بکشند. آری، تمام رژیمهای دیکتاتوری درنده و تروریستی، تمام گروه های تروریستی در سراسر جهان، از حمایت مستقیم دولت آمریکا برخوردارند. هیچ تجاوز مسلحی بر خلقها و برای سرکوب خوین جنبشهای استقلال طلب و آزادی بخش نبوده است که از سوی امپریالیسم پسگردگی آمریکا سازمان نیافته و یا مستقیماً اجرا نشده باشد. (جنگ تجاوزی بربرمنشانه بر ضد ویتنام، تهاجم به لبنان، تهاجم به جمهوری

دولتهای مستقل نوین را برعهده مسکو، گذاردن چیزی نیست جز یکی دیگر از جیات جنگ روانی که نو استعمارگران و محافل حاکمه تجاوزکار آمریکا میخواهند برپا کنند. این جبهه جنگ را با مقابله جدی و متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، همه مخالفان جنگ و تجاوز، همه نیروهای استقلال طلب و آزادی خواه و همه کمونیستهای اصیل درهم شکسته شود. و اما مواضع اتحاد شوروی، که مستقیماً هدف اتهام تبلیغات دولت جدید آمریکا قرار گرفته. در روزنامه پرواده، به تاریخ سوم فوریه سال جاری (۱۴ بهمن ۵۹) بشرح زیرین اعلام شده است:

تروریسم یکی از مظاهر بحران اخلاقی - سیاسی جامعه سرمایه داری است. این سلاح ارتجاع افراطی راست و تشویق فاشیسم است برای ایراد ضربیه بر سازمانها و رجال مترقی. شیوه های تروریستی افراترپون ماوراء چه نظیر «برینگاد های سرخ» در ایتالیا آپبه آسیاب نیروهای ارتجاعی میریزد. عملیات تروریستی، که مستقیماً از سوی دولتهای امپریالیستی سازمان داده میشود، برای خلقها بویژه خطرناک است. در این زمینه بجاست عملیات جنایت کارانه افشا شده «سیا» را در سازماندهی قتل رجال سیاسی بخاطر آوریم. و «سیا» یک موسسه رسمی دولتی آمریکا است. هدف از تبلیغات افراترپویی که پیرامون مسئله تروریسم از طرف دولت ریگان برپا افتاده، تخریب تنش زدائی، بی اعتبار کردن سیاست خارجی اتحاد شوروی، ایجاد سوء ظن نسبت به مبارزان جنبشهای آزادیبخش ملی و احزاب کمونیستی است. لذا مقابله جدی با این خرابکاری، نوین ایدئولوژیک سیاسی امپریالیسم، عقب راندن ارتجاع امپریالیستی تمام دیگر نیروهایی که عملاً با گرایشهای افراطی و تروریستی، چه راست و چه چپ، همگام میشوند، از وظایف مهم است.

بنظر ما، جبهه نبرد روانی-ایدئولوژیک - سیاسی نوینی که امپریالیسم آمریکا زیر عنوان «تروریسم بین المللی» گشوده، جبهه نبردی جدی است. برای شکستن امپریالیسم، پسگردگی آمریکا، در این جبهه نیز، همکاری رزمندگان جنبشهای آزادی بخش و استقلال طلبانه خلقها و همه نیروهای صلح دوست، دمکراتیک و مترقی با جنبش اصیل کمونیستی و کارگری جهانی، ضرور است.

### حملات هوایی...

بقیه از صفحه ۱

خود عملیات دلوران ایرانی را در روز ۷ اسفند اعلام کرد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: درجبهه آبادان برائز آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای ایرانی، یک تانک، یک انبار مهمات، یک تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیمتری و تعدادی از سنگرهای دشمن منهدم و تعدادی از افراد آنان کشته و مجروح شدند. همچنین در حملات تهاجمی هلی کوپتر هوایی روز به مواضع

## دیدارهای لئونید برژنف با سران هیئت های نمایندگی

### با منگیستو هایل و ماریام، رهبر اتیوپی

در جریان این ملاقات، لئونید برژنف و هایل ه ماریم بر ضرورت مبارزه بخاطر استحکام میانی صلح تاکید کردند. طرفین سلسله مبارزه در راه جلوگیری از مسایفه تسلیحاتی و گسترش و تعمیق روند تشنج زدائی را بمنابله اقداماتی موثر برای استحکام صلح جهانی ارزیابی کردند. در این ملاقات از گسترش روابط و همکاریهای اقتصادی میان دو کشور اظهار خرسندی شد.

### با ساتوس رهبر آنگولا

در ملاقات لئونید برژنف با ژوزه ادوارد دویوش ساتوس، رئیس جمهوری آنگولا، تمایل رهبران دو کشور برای گسترش همکاریها ابراز گردید. رهبران دو کشور بار دیگر همبستگی حزب کمونسث اتحاد شوروی و حزب کار آنگولا - مپال را با مبارزه خلقهای نامیبیا و آفریقای جنوبی علیه استعمار و نژادپرستی اعلام داشتند.

### گزارش نیکلای تیخونوف...

بقیه از صفحه ۱

زمینه های اقتصاد و فرهنگ و بهداشت توجه شده است. در دوران پنجساله آینده درآمد واقعی مردم شوروی ۱۶ تا ۱۸ درصد ارتقاء خواهد یافت. میزان حقوق بازنشستگی و کمک هزینه ها به خانواده های پز فرزند افزوده خواهد شد. در ۵ سال آینده شرایط مسکن ۵۰ میلیون از اها. کشور بهبود خواهد یافت. درآمد ملی کشور طی ۵ سال آینده ۱۸ تا ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت.

رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، ضمن ارزیابی نتایج اجرای برنامه پنجساله گذشته اظهار داشت که طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۴، بیش از ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی جدید در اتحاد شوروی احداث شده است. نیکلای تیخونوف در گزارش خود گفت که در طرح برنامه پنجساله جدید، با توجه به ارزیابی نتایج اجرای برنامه پنجساله گذشته، مسائل عملی ساختمان جامعه کمونیستی منظور شده

رزمندگان نیروی زمینی، با اعزام گشتی به یکی از جبهه های غرب دزفول، موفق شدند، ضمن انهدام چند سنگر، حدود ۱۰ نفر از نیروهای دشمن را مجروح کنند و سالم به پایگاه خود بازگردند. در اثر آتش رزمندگان نیروی دریایی نیز تعدادی از مواضع نیروی عراق در منطقه اشغال شده غرب خونین شهر، به آتش کشیده شد و عده ای از افراد آنها کشته و مجروح شدند. ضمناً حملات هوایی دشمن به دزفول نیز، در اثر مقابله مدافعان هوایی شهر، خنثی و دشمن مجبور به فرار شده

نیروهای عراقی، سه دستگاه کامیون دشمن به آتش کشیده و منهدم شده. در روز ۷ اسفند، شهر آبادان، که زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت، ۴ شهید و ۲۵ نفر مجروح داد. در یکی از جبهه های غرب اهواز، مواضع نیروهای ارتش عراق زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین رزمندگان نیروی زمینی قرار گرفت که در نتیجه دشمن مجبور به ترک مواضع خود گردید. در این عملیات تلفات و ضایعات قابل ملاحظه ای به دشمن وارد شده.

# درباره

## پیرامون سرمقاله روزنامه «انقلاب اسلامی» مورخ ۲۰ بهمن ماه ۵۹

# استقلال و وابستگی، دوستان و دشمنان انقلاب

نویسنده سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی"، روز ۲۰ بهمن ماه ۵۹، باتوسل به نام سزا و ارزیابی های نادرست و تحریف تاریخ خواسته است اندیشه های اصلی لیبرال ها را بار دیگر القا کند و بپوشاند مارا از جستن و یافتن دوستان صدیق که در بیکار صد امپریالیستی باور و همزم سا باشد، محروم سازد و به نوعی سخته صادره توسط برزیل سکی را که اکنون نیز کاملاً صادق است، ببیند. ما به مطالب مختلف می یابیم مقاله کاری نداریم ولی مسائل اساسی واز همه مهمتر استقلال میهن و دوستان و دشمنان آن را، که در این مقاله مطرح شده است، قابل بحث می دانیم و نظری به آن را سودمند می سمریم.

### دوستی با دوستان یک عمل انقلابی و استقلال طلبانه است

شناخت دشمن اصلی و جبهه دشمنان انقلاب، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلابیون ماست. یکی از علل عمده پیشرفت مملکت و پایداری انقلاب و بر ملا کردن و عقیم ساختن توطئه های پیاپی آمریکا و دستیارانش، چه در داخل و چه در خارج، همین است که انقلاب توانسته است دشمنان خود را بدرستی بشناسد. در این زمینه تجربه و آگاهی مردم ما تا بدانجاست که آقایان لیبرال ها برای مخفی کردن سیمای دشمن، مشتت بر سندان می گویند. ظاهراً خودشان هم کم و بیش بی برده اند که فریب مردم در این زمینه، کار آسانی نیست و بناچار گاهی برای حقنه کردن سایر فرمایشات خویش، جلاتی را شرمگین و جویده امپریالیستی اش می گویند، تا از قافله عقب نمانند و اگر چه جاده صاف کن دزد هستند، خود را همراه کاروانیان جا بزنند.

اما آنها اگر در برابر این نقطه قوت انقلاب، بیچاره و درمانده اند، از یک نقطه ضعف بخشی از انقلابیون دارند سوء استفاده می کنند و تمام نیروی خود را فعلاً در اینجا متمرکز کرده اند. و آن نقطه ضعف اینست که ما بهمان اندازه که دشمنان خود را در خارج و داخل، بخصوص خارج، شناخته ایم، هنوز نتوانسته ایم دوستان و متحدین خود را در داخل و خارج بشناسیم و در یک صف واحد با آنان شریک مساعی کنیم و همراه با هم علیه دشمن مشترک نبرد کنیم. از این نقیصه، لیبرال ها بهره گیری بسیار کرده اند و می کنند.

در صحنه داخلی با ناسزا، توہین و افترا و شانتاز و ارباب می خواهند صف انقلابیون را از هم بپاشند و کاری کنند که آنها اتحاد و نزدیکی، تفاهم و همکاری نداشته باشند. آنها خود به "القاء ایدئولوژی"، بمنظور القاء وحدت عمل در نبرد ضد امپریالیستی می پردازند و می گویند کاری کنند که حتماً یکی در دام افتد و به دیگری توہین و حمله کند و برای مری ساختن خود از اتهامات، بنا به دلخواه نفاق افکنانه آقایان لیبرال ها، دیگری را تخطئه کند.

در صحنه خارجی هم فعالیت خطرناک آنها در همین جهت ایجاد بدبینی و سوء ظن و جدا کردن انقلاب ایران از دوستان و متحدین بالقوه و حتی بالفعل است. آنها متأسفانه موفق هم بوده اند. بیش از یک سال و نیم ایران نتوانست دوستان و متحدین خود را حتی در بین کشورهای مسلمان منطقه بیاید، یا نگذاشتند که بیاید. لیبرال ها برای پیشبرد سیاست خود، از این وضع، که خود در ایجادش سهم عمده را داشتند، سود فراوان بردند و ایران را "منزوی" قلمداد کردند و القاء کردند که اگر سیاست انقلابی ادامه یابد، در جهان تنهایی خواهد بود! آنها حتی دوستی با الجزایر و لیبی و سوریه را تا همین اواخر به تعویق انداختند و در راه

تحکیم دوستی با جنبش آزادیبخش فلسطین، که با آن همه گرمی امید بخش شروع شده بود، سنگ اندازی کردند و بی تاثیر هم نبوده اند. اما حالا که گروه های معرفی انقلاب ایران به کشورهای مختلف سفر می کنند، به خوبی دیده می شود که ایران انقلابی چه دوستان پایدار و مشفق در جهان دارد و چگونه به کموری چشم خرابکاران و سازش طلبان از انقلاب ما حمایت می کنند و در نبرد رو در روی ما با توطئه های آمریکا، پشتیان و همراه ما هستند.

### نویسنده سرمقاله "انقلاب اسلامی" می نویسد:

"حزب توده دائماً در روزنامه اش تبلیغ می کند که می توان هم مستقل بود هم دوست روسیه".

نویسنده سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی" با این نظر مخالف است (و این مخالفت در واقع از آن تئوری "عالمانه" ای سرچشمه می گیرد که در جهان کنونی هرگونه استقلالی را غیرممکن می شمارد و برای وابستگی ناچار به آمریکا، شالوده عقیدتی (!) فراهم می سازد).

وی بخصوص از این امر گله دارد که:

"دائماً چماق دوستی ایبسی و الجزایر و سوریه را با شوروی بر سر هر کس که در دوستی روسیه تردید کند، فرود می آورند و نقش روسیه را در خوار و میانه نشی انقلابی، ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی نشان می دهند. در واقع هم ما معتقدیم که می توانیم، هم با همسایه خودمان اتحاد شوروی دوست باشیم و هم در عین حال استقلال کامل و بی خدشه خویش را حفظ کنیم. ما معتقدیم که دوستی ایران انقلابی با اتحاد شوروی سوسیالیستی هیچگونه وابستگی بوجود نخواهد آورد (وابستگی به همان معنایی که بارها توضیح داده ایم و نقطه مقابل استقلال است، و نمونه بارز این وابستگی رژیم منحوس شاه بود). ماهیت دو کشور و تجربه تاریخ و نمونه سبب این اثبات این مدعی است. درد بیدرمان آقایان لیبرال ها، که خواستار همکاری "معقول و منصفانه" با آمریکا هستند، اینست که همه فهمیده اند دوستی با آمریکا بدون شک و شبهه منجر به وابستگی خواهد شد و تجربه تلخ خودمان و نمونه سایرین گواه خونین و پردرد است. برای معالجه این درد بیدرمان، آنها می گویند که چیز ثابت نشده است تا ثابت کنند و آن اینست که، اولاً دوستی با شوروی هم منجر به وابستگی می شود، ثانیاً شوروی هم دشمن ماست، ثالثاً چاره ای جز وابستگی نیست. پس حالا که قرار است وابسته بمانیم، آیا "معقول تر" و "معتدل تر" نیست که آمریکا را انتخاب کنیم؟! (هر چه باشد سال هاست روابطی با آنها داریم، گردش سالیانه در آنجا چندان هم بد نبود، مقادیر نا قابلی هم سرمایه و سپر انداز آنجا داریم، برخی ما مان هم کارت سبزی، اجازه اقامتی و حتی ورقهه تابعیتی داریم، چه مرضی است که وابسته به شوروی بشویم که نه کار باره های تماشایی دارد، نه قمارخانه در آنجا دایر است، نه بساط عیش و گذران آنچنانی می توانیم در آن بگستریم، نه ویلا و مزرعه ای می توان در آن خرید نه در کارخانه ها و بانک ها می توان شریک و سهام شد... آری، "شایسته و معقول" است که آمریکا را انتخاب کنیم!)

### در محک تجربه، دوستی ها باید آبدیده شود و استقلال تحکیم یابد

این آگاهی به نقش دوستی ها در صحنه خارجی، آسان و به یکباره بدست نیامده است. زمانی که گاه طولانی و تجربه ای گاه تلخ لازم بوده است، تا خود این نیروهای صدیق بی ببرند که دوستانشان در کجا هستند و چگونه از آن ها با تمام قوا حمایت می کنند، چون عملاً در یک سنگر هستند.

جنبش آزادی بخش فلسطین، بتدریج، از کوره راه های خصومت، دشمن، جدایی و نابوری گذشت، تا با تجربه خود فهمید که اتحاد شوروی دوست صدیق اوست و می تواند، بدون بیم از وابسته شدن، با آن همکاری کند و همانند یک دوست و یک همزم با او رفاقت داشته باشد.

جمال عبدالناصر فقید، رهبر نهضت ضد امپریالیستی مصر، در آغاز راهش، بکلی سردرگم بود و تفاوتی بین "روسیه" و انگلیس (صاحب آنوقت کانال سوئز و استعمارگر اصلی مصر) نمی گذاشت. مدت ها طول کشید، تا ضمن تجربه طولانی گشوداری و به نیروی صداقت انقلابی، بر تاجر، یکسو نگری و قشری گری فائق آمد. او و نهضت ترقی خواه مصر بی بردند که می توان و باید با اتحاد شوروی دوست بود، بدون آنکه کمترین رد و اثری از وابستگی باشد، تا نبرد ضد امپریالیستی را به پیش برد. و این دوستی همکاری ابدی، به استقلال مصر لطمه نمی زند که هیچ، ضامن آن نیز هست.

معمّر قذافی، رهبر لیبی، سال های متعددی علامت تساوی بین کمونیسم و امپریالیسم می گذاشت. این واقعیت زندگی حلقه های

منطقه و خود ماست که ما را بر آن می دارد که اولاً، برخلاف نوشته سرمقاله "انقلاب اسلامی"، بین روسیه تزاری و اتحاد شوروی فرق بگذاریم، فرقی به عظمت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، و ثانیاً به تجربه می دانیم که نقش آن کشور واقعاً هم انقلابی است واقعاً هم ضد امپریالیستی است، واقعاً هم ضد صهیونیستی است.

هر نیروی صادق ضد امپریالیستی و انقلابی در سراسر جهان، گواهی می دهد که در نبرد آزادی بخش خود عملاً از پشتیبانی اتحاد شوروی برخوردار بوده و هست. ما در این زمینه البته به گفته های جمال عبدالناصر، حافظ اسد، بومدین، معمّر قذافی و ده ها رهبر جنبش ضد امپریالیستی و استقلال طلب بیشتر باور داریم، تا به ادعاهای پیروان خط برزیل سکی و طالبان حکومتی "معتدل" و "میانه رو"، که از انقلاب "پشیمان" شده اند.

هر نیروی ضد صهیونیستی، که در کوره نبرد مستقیم با تجاوزگران صهیونیستی اسرائیل قرار دارد، به خوبی می داند که اتحاد شوروی چه نقش ضد صهیونیستی عظیمی در عمل ایفا می کند و چقدر کمک های بی شائبه و پر شمار سیاسی و اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک او در این زمینه موثر است.

ما در این زمینه البته به سخنان و گواهی های یاسر عرفات و جمیلاط و فاروق قدومی و به تجربه روزمره صدها هزار مبارز فلسطینی باور داریم، نه به ترهات لیبرال های که در خط آمریکا قدم می زنند و از بورس اسرائیل و سفر به تل آویو هم چندان بدشان نمی آید.

آری، خلق ها میزان اند و گواهی آنها، دیر و یا رود، به گوش آن کسانی هم که تا کوس نرسیده، اگر بخواهند گوش شنوایی داشته باشند - خواهد رسید.

### در محک تجربه، دوستی ها باید آبدیده شود و استقلال تحکیم یابد

این آگاهی به نقش دوستی ها در صحنه خارجی، آسان و به یکباره بدست نیامده است. زمانی که گاه طولانی و تجربه ای گاه تلخ لازم بوده است، تا خود این نیروهای صدیق بی ببرند که دوستانشان در کجا هستند و چگونه از آن ها با تمام قوا حمایت می کنند، چون عملاً در یک سنگر هستند.

جنبش آزادی بخش فلسطین، بتدریج، از کوره راه های خصومت، دشمن، جدایی و نابوری گذشت، تا با تجربه خود فهمید که اتحاد شوروی دوست صدیق اوست و می تواند، بدون بیم از وابسته شدن، با آن همکاری کند و همانند یک دوست و یک همزم با او رفاقت داشته باشد.

جمال عبدالناصر فقید، رهبر نهضت ضد امپریالیستی مصر، در آغاز راهش، بکلی سردرگم بود و تفاوتی بین "روسیه" و انگلیس (صاحب آنوقت کانال سوئز و استعمارگر اصلی مصر) نمی گذاشت. مدت ها طول کشید، تا ضمن تجربه طولانی گشوداری و به نیروی صداقت انقلابی، بر تاجر، یکسو نگری و قشری گری فائق آمد. او و نهضت ترقی خواه مصر بی بردند که می توان و باید با اتحاد شوروی دوست بود، بدون آنکه کمترین رد و اثری از وابستگی باشد، تا نبرد ضد امپریالیستی را به پیش برد. و این دوستی همکاری ابدی، به استقلال مصر لطمه نمی زند که هیچ، ضامن آن نیز هست.

معمّر قذافی، رهبر لیبی، سال های متعددی علامت تساوی بین کمونیسم و امپریالیسم می گذاشت. این واقعیت زندگی حلقه های

ولی تجربه او در کوره نبرد بی امان با امپریالیسم، او را، که یک انقلابی صدیق و یک ضد امپریالیست بیگربود، متحول ساخت. زندگی به او و به همه انقلابیون لیبی ثابت کرد که در ارزیابی های اولیه خود گرفتار پیش داوری بوده اند، و برعکس تبلیغات امپریالیسم خبیری و آژانس های صهیونیستی، می توان به دوستی و همکاری اتحاد شوروی مستظهر شد، بدون آن که ذره ای از استقلال خود را از دست داد. میتوان همگونه کمک اقتصادی و سیاسی و نظامی، بر اساس روابط برابر حقوق و احترام متقابل، از او گرفت، زیرا که او همزمی است در نبرد ضد امپریالیستی و خود نیروی اساسی این نبرد در مقیاس جهانی است. بدست آوردن این تجربه البته سال ها طول کشید، ولی بالاخره صداقت انقلابی راهگشا بود و بر ناباوری و بدبینی اولیه و بر رسوبات دیرینه تبلیغات زهر آگین امپریالیستی چیره گشت.

نویسنده سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی" نقل قولی از قذافی و جلود، رهبران لیبی، یافته و در نوشته خود گنجانیده، به خیال آن که برگ برنده ای را به زمین زده است، در حالی که از هول حلیم توی دیگ افتاده است. قذافی در این نقل قول از "تشخیص تحمیلی توسط آمریکایی ها و روس ها" صحبت می کند و از "نفوذ جدید دو قدرت بزرگ" و "قربانسی عوام فریبی شوروی" سخن می گوید. این سخنان از مصاحبه ای مندرج در روزنامه فرانسی لوموند، به تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۳ آورده شده است، یعنی حدود هفت سال و نیم قبل. در آن زمان قذافی و جلود و سایر دوستان و انقلابیون لیبیایی تازه چند سالی بود که قدرت را در دست گرفته بودند و هنوز تجربه کافی نیندوخته بودند. ولی ثروت بزرگ آنها و اولویت بزرگ و برتری آنان، در صداقت انقلابی شان و وفاداری به آرمان های انقلابی بود و نه پیش داوری، یا تفکرات متحجر ناشی از تبلیغات دشمن، یا مناقع طبقاتی مغرضانه. هر واقعه مهم، هر گام در نبرد، هر رویی روسی با امپریالیسم به آنها نشان داد که در قضاوت قبلی خود، به خطا می رفته اند و جانب عدالت و حقیقت را نگه نمی داشته اند و متکی به واقعیات نبوده اند و لازم است - اگر می خواهند شایسته نام انقلابی صادق و پیگیر باشند - در آن پیش داوری تجدید نظر کنند. آنها انقلابیون صادقی بودند و چنین کردند. بر اثر این تجربه غنی، که بر شالوده صداقت و پیگیری استوار بود، عبدالسلام جلود امروز دیگر آن چیزی را می گوید که وقتی بعد از پیروزی انقلاب ایران به کشور ما آمد، به رهبران وقت گفت. ولی چون دولت موقت و دوستان سرمقاله نویسر روزنامه "انقلاب اسلامی" بر سر کار بودند، وضعی ایجاد شد که می خواستند او را به "گروگان" بگیرند و مسئله امام موسی صدر و ناپدید شدنش را بهانه قرار دادند، تا به حرف های جلود، به تجربه او، به روند انقلابی لیبی گوش نکنند و نگذارند کسی گوش کند. قذافی و دوستان او حالا دیگر در سیر متعالی خویش تکامل بسیار یافته اند. آنها حالا آن چیزی را می گویند که به هیئت های ایرانی پارلمانی و دولتی - که به لیبی سفر کرده اند، گفته اند و سفیرشان در تهران بارها به روشنی اعلام کرده است.

اگر در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) قذافی جنان می گفت، سالی که هنوز تجربه کافی به دست نیامده بود، ولی هم او، اکنون در سال ۱۹۸۱ (۱۳۵۹) در جلسه نهایی دومین اجلاس کنگره خلق عرب می گوید: "ما عامل شوروی نیستیم، اما ما دوستان شوروی هستیم،

زیرا ما به لزوم دوستی با اتحاد شوروی متقاعد شده ایم ما در این زمینه صادق هستیم و این دوستی را حفظ می کنیم، زیرا هدف های مشترکی داریم، اتحاد شوروی و لیبی دشمنان مشترکی دارند و این دشمنان امپریالیسم و صهیونیسم هستند".

چرا سرمقاله نویسنده روزنامه "انقلاب اسلامی" این جملات امروز قذافی را، که ثمره بیش از یک دهه کنسورداری و تجربه دشوار نبرد جدی ضد امپریالیستی است، نقل نمی کند؟! صد البته این سخنان برای سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" مانند پتکی می نماید، زیرا دوستی شوروی با این کشورها: لیبی و سوریه و الجزایر و جنبش آزادی بخش فلسطین و... پتکی است بر سر همه سازش کاران و تسلیم طلبان، که می خواهند میهن ما را به سوی آمریکا بکشانند، و خط برزیل سکی را پیاده کنند، پتکی است نیرومند بر سر دسایس آمریکا، که می خواهد نفاق آفریند و انقلاب ها را از متحد طبیعی آنها محروم سازد. آری، این دوستی به بهای گزافی بدست آمده است و هر کس انقلابی واقعی است نمی تواند خود را از این تجربه گرانبها مستغنی جلوه گر سازد. اسد و قذافی و عرفات و... یگانگی مکتبی با اتحاد شوروی نداشته اند و ندارند. صداقت انقلابی و نبرد مشترک، آن ها را به یکدیگر نزدیک کرده است. تجربه تاریخی درگرمای گرم این نبرد مرگ و زندگی به آنها نشان داده است که می توان هم دوست شوروی بود و هم مستقل ماند. آن ها به تجربه خود دریافته اند که وثیقه استقلال و بریدن هم رشته های وابستگی همین دوستی بی شائبه و برابر حقوق است.

### لیبرال ها از چه می ترسند؟

ایران انقلابی هم باید تجربه کند. ایران انقلابی هم اکنون تجربه می کند. و این تجربه آهسته، ولی مطمئن، بدون صحنه سازی، ولی بی گبر، به هر کس که انقلابی صدیق و ضد امپریالیست واقعی باشد و بدگانش را غبار قدرت یا قشریت سایبان کرده باشد، همان چیزی را نشان خواهد داد که اسد ها و قذافی ها و عرفات ها به آن متقاعد شده اند. تجربه، چیز نیگویی است.

لیبرال ها درست از همین می ترسند: از کسب تجربه توسط انقلابیون صدیق و ترک پیش داوری ها و بر باد رفتن نقشه آمریکایی ها. بویزه که، قاعدتاً این کسب تجربه باید سال ها برای زیادی طول بکشد، تا آن ها هویانوار فریب کشان درون، انقلاب را ببوسانند. نباید زیاد طول بکشد، زیرا که درایت در استفاده از تجربه دیگران نیز هست، زیرا تغییر توازن نیروها در صحنه جهانی بسیار آسکارتز از ده سال و یازده سال پیش عمل می کند، و بی تردید این اعتقاد در انقلابیون صدیق ما وجود دارد که، باید تا دیر نشده، انقلاب را، استقلال را، دوستی را، نجات داد و ریشه های وابستگی را کند.

تمام ترس سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" از همین روند است. او به جانب ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) می کند و می خواهد که دیگران ۱۹۸۱ (۱۳۵۹) را فراموش کنند. او به گفته های اشاره می کند که، حالا، بر لبان انقلابیون صدیقی که زمانی آن را گفته اند، لبخندی تلخ می آورد، و وقتی می شنوند که ما هم نظایر آن را می گویم، با حرارت دوستانه و با اطمینان به قدرت صداقت انقلابی ما، می گویند: "ما هم زمانی همین چیزها را می گفتیم!" ترس لیبرال ها و ماثوئیست های بقیه در صفحه ۶

# هنوز کار فرماها حق و تودارند!

## به حق مسلم کارگران اخراجی کارگاه مصالح فروشی «جاوید» رسیدگی کنید!

وزارت کار و امور اجتماعی  
قابل توجه مسئولین



کارفرما در مقابل حکم قانون هم، به ما جواب سربالا می‌دهد

توسط هیئت حل اختلاف شورای کارگاه مورد بررسی قرار گرفت. شورای نامبرده در تاریخ ۵۹/۶/۱۰، برای هریک از کارگران اخراجی مبالغی را تعیین کرد، که می‌بایستی از جانب کارفرما پرداخت می‌شد. مبالغ قابل پرداخت تعیین شده، باید بابت سنوات خدمت، خسارت اخراج، مابه‌التفاوت دستمزد، مزد مرخصی استحقاقی، کمک هزینه مسکن و خواربار ایام خدمت، پرداخت شود.

در تاریخ ۵۹/۸/۱۱ این مسئله به تایید هیئت حل اختلاف رسید و رسماً از طرف مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی استان قطعی و لازم الاجرا، تشخیص داده شد. ولی کارفرما از پرداخت مبالغ تعیین شده سرباز زد و حکم صادره را فاقد صلاحیت اعلام کرد. او وقتی که با توضیح منطقی کارگران مبنی بر قانونی بودن حکم مزبور مواجه شد، قانون کار و حکم مزبور را به باد انتقاد شدید و ناسزا گرفت.

حال این سؤال برای کارگران مطرح است که: به چه عنوان و تحت چه ضابطه قانونی کارفرمای مزبور از اجرای حکم قانونی اداره کار و امور اجتماعی سرباز می‌زند و در عین حال

زودیک، به یک سال از اخراج غیرقانونی امیر رفیعی، ولی‌الغم انگیز محرم علی پورصفری، علی اکبر فلاح مودب دوست و نصرت عادل، کارگران مصالح فروشی جاوید در شهرستان فومن می‌گذرد. با توجه به صدور حکم قطعی اداره کار و امور اجتماعی استان گیلان مبنی بر پرداخت حقوق مسلم کارگران تاکنون در این باره اقدام حدی بعمل نیامده است.

این کارگران هر کدام از دوازده تا بیست و شش سال برای کارفرمای کارگاه جاوید، در بدترین شرایط، با تحملاً همه سختی‌های ناشی از کار دشوار، به علت درخواست استفاده از مزایا و حق بیمه، با خشم و غضب کارفرما مواجه شده‌اند. ناگفته نماند که کارگران همگی در تاریخ ۵۷/۷/۲۹ رسماً بیمه شده و مرتباً حق بیمه خود را نیز پرداخته‌اند. کارفرما پس از صدور حکم از طرف شورای کارگاه استان گیلان، مبنی بر لزوم پرداخت مبلغ ۲۷۶۰۰ ریال به هریک از کارگران، پس از پرداخت مبلغ فوری، بلافاصله آنان را اخراج کرد. این عمل غیرقانونی کارفرمای خاطی، بی‌درنگ با اعتراض کارگران مواجه شد و متعاقب آن، موضوع اعتراض

## سازمان گسترش و نوسازی صنایع و ضرورت تحول بنیادی:

در زمان حکومت رژیم سابق، شرکت‌هایی در ایران ایجاد میشد که اغلب مقرون به صرفه نبودند. به عنوان نمونه می‌توان از شرکت ریالکو نام برد، که بعلت مصرف زیاد از حد برق و ایجاد مسمومیت در محیط کار و آلوده کردن محیط زیست، حتی کشورهای "جهان سوم" هم از ایجاد این گونه شرکتها خودداری میکنند. نمونه دیگر آن شرکت هیگوست که به حرات می‌توان گفت که ۹۹٪ محصولات آن در خارج از کشور مونتاژ میشد، سرمایه‌داران وابسته ماشین آلات وارد می‌شدند و قبیل ماشین‌های جاده‌سازی و ساختمانی را فقط با رنگ آمیزی به فروش می‌رساندند.

شرکت‌هایی چون ماشین‌سازی اراک، تراکتورسازی تبریز، ماشین‌سازی تبریز، که به عنوان صنایع تولید کننده ابزار تولید همکاری کشورهای سوسیالیستی در ایران ایجاد شده بود، به علت وابستگی سیاسی و اقتصادی ایران به امپریالیسم، کم‌کم از مسیر اصلی خود منحرف و به صنایع مونتاژ کشورهای امپریالیستی تبدیل می‌شدند، مانند: مونتاژ جراثقال پیوتن و P.H در ماشین‌سازی اراک و مونتاژ پمپ‌های انگلیسی در ماشین‌سازی تبریز. همچنین حدود ۷۰ الی ۸۰ شرکت بزرگ و کوچک مشاوره و نظارت و پیمانکاری جهت بکارگاردن فرزندان ابادی امپریالیسم در رأس آنها که میتوان گفت تیول جدیدی برای وابستگان امپریالیسم به حساب می‌آمدند تا سپس شدند.

تحولاتی که در سازمان گسترش صنایع پس از پیروزی انقلاب صورت گرفته، متأسفانه با نیازهای جامعه انقلابی ایران همساز نبوده است. بنابراین سازمان مذکور باید بازسازی شود و تحول بنیادی و اساسی در آن صورت پذیرد، تا بتواند نیازهای جامعه انقلابی ما را برآورده سازد.

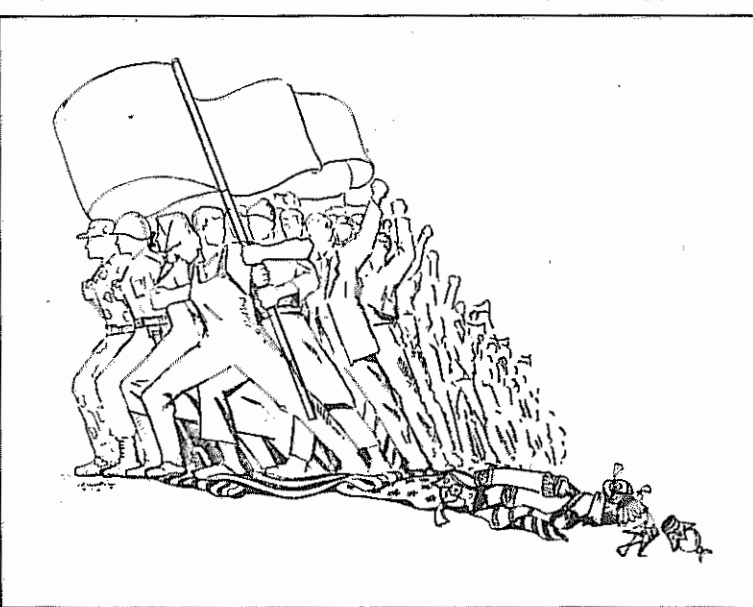
پس از سقوط دولت "کام به کام" هیئت جدیدی برای اداره امور کنسرتو صنایع انتخاب شد. این گروه هم متأسفانه اهداف گروه قبلی را دنبال می‌کند و تا بحال کوچکترین قدمی در راه برآوردن نیازهای انقلاب برنداشته است. اهداف مورد نظر آنها از جمله عبارتند از: ۱- از بین بردن شوراها، که در

## با گماردن افراد انقلابی بر رأس کارخانه‌ها، مبارزه علیه امپریالیسم را شدت بخشیم

از اعضای شورای کارکنان و دونفر آنها هم اکنون در جبهه مشغول نبرد با تجاوزگران صدامی هستند. ۳- ابقاء عناصر طاغوتی و دادن پست‌های حساس به آنها، ۴- به کارگاردن شخصی هندی-الاصل، که اخیراً به تائید ایران در آمده است و وضع کاملاً مشکوک دارد. اجرای چنین اعمالی از جانب برخی از دست اندرکاران، نشان دهنده آنست که گروهی آگاهانه مصمم هستند که سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران را به سمت سابق سوق دهند و سعی آنها بر اینست تا عوامل رژیم سابق را به کار ابقاء کنند. مسئولان امر باید در انتخاب افراد برای پست‌های حساسی چون مدیریت عامل کارخانه‌ها، منتهای دقت و احتیاط لازم را بعمل آورند، تا مراکز تولیدی کشور همگام با انقلاب در مبارزه با تحریم اقتصادی امپریالیست‌ها به پیروزی‌های هرچه بیشتری دست یابند.

برای کمک به جبهه، جمع آوری کمک‌های جنسی و دارو برای جنگ‌زدگان و آماده کردن گروه‌های دیگر برای اعزام به جبهه‌های جنگ و بطور کلی انجام اقداماتی در جهت متحد کردن کارمندان و کارگران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، از اقداماتی بود که توسط شورا انجام شد. اوایل آبانماه ۵۹ مدیرعامل جدیدی به کارخانه ایرالکو اعزام شد. او در بدو ورود به کارخانه، شورا و بسیج را منحل اعلام کرد و عده‌ای از کارکنان کارخانه مورد تفتیش عقاید قرار گرفتند. در شرایط بحرانی کنونی، که کشور ما در پشت جبهه به اتحاد و همبستگی و تولید هرچه بیشتری احتیاج دارد، اعمال مدیرعامل کارخانه ریالکو در جهت خلاف این امر است. مدیرعامل جدید، از جمله دست‌های اقدامات زیر زده است: ۱- اخراج دو نفر از کارکنان، ۲- بحال تعلیق در آوردن کارهشت تن از کارکنان کارخانه، که پنج تن آنها

جریان انقلاب وینا بر ضرورت جامعه نوین بوجود آمده بودند. با از بین بردن شوراها، اتحادیه‌های کارمندان و کارکنان کارخانه‌های مختلف تشکیل شده بودند منحل شد. ۲- با انحلال شوراها، عملاً با اصل ۲۶ قانون اساسی مخالفت بعمل آمد. حتی صوابت انتخاب انجمن اسلامی نیز بر معیار انقلابی و اسلامی منکف نبود. به این ترتیب برخی از عناصر فرصت طلب و مشکوک هم در این انجمن هار سوخ کردند. ۳- در بی اجرای هدف‌های بالا کارخانه ماشین‌سازی اراک و مدیریت عامل آن، که از طرفداران همکاری با شورا بود، مورد هدف قرار گرفتند و با توسل به انواع دسیسه‌ها، مدیرعامل کارخانه اخراج شد. سپس اعضاء شورا، که با اخراج بدون دلیل مدیرعامل مخالفت ورزیده بودند، مجبور به استعفاء شدند. بدین ترتیب شورای کارخانه ماشین‌سازی اراک که قوی‌ترین شورادر محل بود، با شکست مواجه شد.



طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

## بای صحبت زحمتکشان

مواد اولیه...

جنگ و آموزش نظامی

## کارگران کارگاه تراشکاری «مهرنیا» در انتظار فراگیری فنون نظامی هستند

کارگاه تراشکاری «مهرنیا» در خیابان کارگر (تهران) قرار دارد و حدود بیست و پنج نفر کارگر در آن کار می‌کنند. همه کارگران لباس کار دارند و از وسایل ایمنی چون دستکش، ماسک دهان و بینی برخوردارند. برای اطلاع از وضع کارگاه، با یکی از کارکنان کارگاه به گفتگو نشستیم. او گفت:

"مواد اولیه مورد نیاز ما برای تولید ماشین آلات صنعتی عبارتند از: آهن آلات، چدن، ورق و فلز. ما گفته‌ایم که در گذشته ما یک تلفن می‌توانستیم همه این مواد را تهیه کنیم، ولی حالاً بعلت احتکار سرمایه‌داران بزرگ، باید مدت‌ها دنبال مواد برویم. تا بالاخره آنها را به قیمتی گران‌تر از سابق بدست آوریم. تقاضای ما از دولت اینست که ریشه احتکار را، که مسلماً بدست سرمایه‌داران بزرگ است، بپایب، و فروش مواد اولیه را تحت کنترل خود درآورد." آنگاه با یکی از کارگران گفتگو کردیم، او گفت:

"من ما هیانه مبلغ ۲۸۵۰ ریال حقوق دریافت می‌کنم. ما هر روز هشت ساعت و نیم کار می‌کنیم و نیم ساعت هم برای صرف غذا استراحت داریم. برای رسیدگی به کارهایمان نماینده ای انتخاب کرده ایم، که رابط ما با کارگران با دولت است. او در مورد جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران گفت: "همانطور که همه میدانیم این جنگ، جنگ تحمیلی است که عراق به کمک آمریکا به ما تحمیل کرده است. ما نیز چون دیگر برادران و خواهرانمان که نمی‌توانیم در جبهه جنگ حاضر باشیم، لااقل در پشت جبهه از هر کمکی که از دستمان برسد آید کوتاهی نخواهیم کرد. ما یکبار مبلغ شصت و سه هزار ریال واریز کرده ایم و بعد از این هم اینکار را ادامه خواهیم داد."

او در مورد لزوم فراگیری فنون نظامی اظهار داشت: "مدتها پیش توسط نماینده خود از مسئولین امر تقاضا کردیم که در همین محوطه کارگاه به ما آموزش نظامی دهند، ولی تا کنون به این پیشنهاد ما پاسخ مثبت داده نشده است. هم‌اکنون دوتن از کارگران منقضی خدمت ۵۶ درجبهه نبرد هستند. ما هم میدویم هر چه زودتر آموزش نظامی ببینیم و هرگاه ما مدستور بفرمایند، به جبهه اعزام شویم. کارگران این کارگاه همگی پیرو خط امام خمینی و روحانیت مبارز هستند. خود من تا چندین پیش برخی از شبهات در کمیته منطقه دوازده نگهبانی می‌دادم."

پس از خدا حافظی با کارگران، کارگاه را ترک کردیم. به امید اینکه نهادهای انقلابی هر چه زودتر به خواست کارگران عزیز میهنمان، که با فداکاری، چرخ‌های تولیدی کشور را می‌گردانند، جهت آموزش نظامی پاسخ مثبت دهند.

بقیه از صفحه ۱

### بند «ج»، بزرگ مالکان و ضد انقلاب

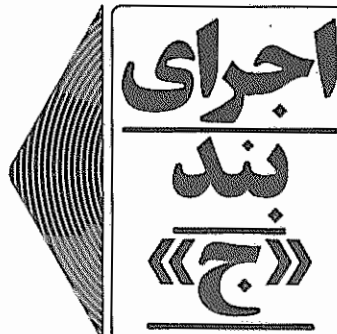
با تعویق بند "ج"، بزرگ مالکان و فئودالها و خوانین چنان بال و پر گرفتند که همچو لشکر مغول، با مباشران و چماق داران و تفنگ داران خود، به دهات سرازیر شدند. آنان دهقانان حق طلب را در خراسان حلق آویز کردند، در خوزستان بگلوله بستند و در نزدیکی تهران با چاقو کشتند. اربابان نه فقط قوانین جمهوری اسلامی ایران و مسئولان دولتی و نهادهای انقلابی را نادیده گرفتند، بلکه چنانکه گویی در این کشور انقلابی رخ نداده، یا چنانکه گویی انقلاب دیگر قطعا "به شکست کشانده شده و توطئه آمریکا پیروز شده، وارد میدان شد. پیکر خونین اعضای قهرمان جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و افراد هیئت های هفت نفری به خاک افتاد. چه بسا زمین های وسیع بدون کشت باقی ماند. چه بسیار دهقانان، که از زمین ها رانده شدند، خوانین فراری دوباره به "املاک" بازگشتند. "شوراهای بزرگ مالکان، ساخته ایزدی - "شهروند مفید آمریکا" - دوباره به تشکیل جلسه پرداختند. افعی ها جان گرفتند و دندان نشان دادند. اربابان از طریق مخالفت با کشت یا کشت ناکافی و تصنعی، یکی از جدی ترین خرابکاری های اقتصادی را - که اثرات شومش تازه بعدها معلوم خواهد شد - به عمل آوردند. اربابان با سوء استفاده از تعویق موقتی بند های "ج" و "د" جای پای خود را محکم کردند، توطئه های خود را علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان دادند، در مناطق مختلف تشنج آفریدند، ارتباطات و نفوذ قدیمی خود را بکار گرفتند. تحریک در انقلاب و تضعیف ارگان های انقلابی هدف آنان بود. آن ها در یک دست تفنگ گرفتند و در دست دیگر فتوی روحانی نمایانی را، که مخالف با اصلاحات ارضی و اجرای قانون، مخالف با روح انسانی و مردمی اسلام راستین هستند.

در شرایط بسیار حساس جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی، تعویق بند "ج" را بزرگ مالکان به مناسبت ترین وسیله برای اجرای توطئه های آمریکایی براندازی و ایجاد اشکالات فزاینده برای جمهوری اسلامی و ناراضی کردن مردم بدل کردند. در حالی که دشمن از خارج حمله می برد و بر سینه پاسداران و ارتشیان مدافع میهن انقلابی ما آتش می بارید، آن ها از داخل به پشت جبهه یورش بردند و از پشت خنجر زدند. در حالی که آمریکا به محاصره اقتصادی می کشید ما را به زانو در آورد و محتاج خویش سازد، اینان از داخل به خرابکاری پرداختند تا هر چه کمتر تولید شود و با انواع دسائیس اقتصادی و حیل های تبلیغاتی و شایعه سازی ها، مانع از رشد تولید و کسب محصول کافی شدند.

تنها راه و قاطع ترین راه برای جلوگیری از این همه تشنجات و تضییقات از این همه خرابکاری و اعمال فشار ضد انقلابی آنست که، هر چه زودتر اجرای بند "ج" آغاز شود و قانون تمام و کمال به مرحله اجرا در آید و هیئت های هفت نفری طبق وظایفی که قانون و آئین - نامه اجرایی آن تعیین کرده، بادست باز و اختیارات کافی و کامل، و با پشتیبانی همه نهادهای انقلابی و ارگان های دولتی شروع به عمل کنند.

### بند «ج»، دهقانان و انقلاب

به دنبال تعویق بند "ج"، دهقانان زحمتکش زیر انواع فشارهای اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و حتی مسلحانه قرار گرفتند. مقامات مسئول نمی توانستند ندانند، یا نسبت به این واقعیت بی اعتنا باشند که، تعویق بند "ج" یاس فراوان در روستاها آفرید، امیدهای بسیاری را متزلزل کرد، منجر به دل سردی ها و سرخوردگی ها شد، و این چیز است که چون زهر مهلک انقلاب را دچار مخاطره می کند. خود بزرگ مالکان و عمال آنها، اعم از مباشران شناخته شده یا وابستگان چپ نمایی



ناشناخته، از تعویق اجرای بند "ج" استفاده کردند، تا چنین به دهقانان القاء کنند که، جمهوری اسلامی از دادن زمین صرف نظر کرده است و نظام بزرگ مالکی حفظ خواهد شد و زور اربابان و روحانیون و لیبرال های طرفدار آنها بر نیروی انقلابی و روحانیت متعهد پیروز خط امام چربیده است و دهقانان دیگر نباید از این رژیم انتظار عمل جدی و موثری در زمینه حل مسئله مالکیت ارضی و امید گرفتن زمین را داشته باشند.

این وضع، اگر هر چه زودتر و صریح تر و قاطع تر پایان نیابد، موجب تضعیف و تخریب یکی از جدی ترین پایگاه های انقلاب خواهد شد. انقلاب بزرگ ما به نیروی حمایت و مشارکت توده میلیونی مردم، زنده و پایدار و پیروز است. دهقانان زحمتکش با تمام قدرت خود در انقلاب سهیم بوده اند و امام خمینی بارها بر نقش آنها تکیه داشته و انقلاب را متعلق به آنها نیز دانسته اند.

دهقانان تهیدست حق مسلم خود، خواست حیاتی و مبرم خود و دستاورد قانونی خود می دانند که زمین های زراعی از بزرگ مالکان گرفته شود و به آنها واگذار گردد. اظهار نظر معتبرترین فقها و نظریات آیات عظام - که از زمره وعاظ السلاطین نیستند، مرتجع و قشری نیستند و به خط امام خمینی دل بستند - نشان می دهد که این حق مسلم و قانونی و حیاتی، در عین حال کاملا "شرعی نیز هست، یعنی ایرادات و کارشکنی ها و سنگ اندازی های روحانی نمایان وابسته به بزرگ مالکان وارد نیست. این توده عظیم دهقانی، این پشتوانه نیرومند انقلاب را نمی توان دل سرد کرد و از انقلاب ناامید ساخت. مشارکت فعال آنها در امور کشوری و حضور آنها در صحنه تعیین سرنوشت می طلبد که حتما و حتما، "ابتدایی ترین و مسلم ترین حق آنها به رسمیت شناخته شود و قانون، در عمل و بطور کامل، پیاده گردد.

نهادهای انقلابی کشور ما بدان علت منشاء این همه خدمات پر نسر شده اند و از این همه خیریت و اعتبار برخوردارند که از جمله به توده دهقانان متکی هستند و به منافع حیاتی آنها خدمت می کنند. اگر - آن روز نیاید - اعتماد دهقانان به آنها و به عمل و جهت گیری آنها سلب شود، یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ما، که همین نهادهای انقلابی برخاسته از بطن مردم و سمت گیری مردمی آنهاست در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. مسئولین متعهد و انقلابی امور که در وزارتخانه ها و ارگان های مختلف مامور پیاده کردن برنامه های نوسازی در روستاها هستند و موظفند که مبین انقلابی را از ریشه بازاری کنند و کشاورزی ما را خوشگذا و اقتصاد زراعی و دامی ما را سالم و مستقل و دهات ما را آباد و انسانی نمایند، بدون داشتن یک شالوده سالم و محکم اجتماعی - اقتصادی قادر به هیچ کاری نخواهند شد. با مالکیت بزرگ فئودالی و سرمایه داری بر زمین، با ادامه استمرار دهقانان، چنین شالوده ای البته به وجود نخواهد آمد. تمام آرزوها، بدون اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع نقش بر آب خواهد شد و هر برنامه ای محکوم به شکست خواهد بود. مسئله مالکیت غارت گرانه بزرگ مالکی - اعم از فئودالی، خان خانی یا سرمایه داری - بر زمین و وسایل تولید کشاورزی، باید بطور قطع و کامل و هر چه سریعتر حل شود.

یگانه راه و مطمئن ترین راه حفظ حمایت دهقانان زحمتکش از انقلاب

- خواست عمومی و حقه میلیون ها دهقان زحمتکش را بر آورده می سازد.
- جلوگیری و غارت خوانین و عمده مالکین قدر را می گیرد.
- یکی از پایگاه های اصلی آمریکا و توطئه های آنرا از بین می برد.
- دست مسئولان متعهد را در اجرای برنامه های نوسازی کشور باز می کند.
- اصلاحات ارضی واقعی را وارد مرحله اعتلای جدید می کند و به دوران نشیب و عقب نشینی انقلاب پایان می دهد.

و مشارکت آنها در اداره امور جمهوری اسلامی ایران، تنها راه تحکیم نهاد های انقلابی و تکیه بر نقش فزاینده آنها در نوسازی کشور، تنها راه اجرای برنامه های ضروری اعتلای کشاورزی و آماده ساختن زمینه برای فعالیت همه مسئولان متعهد انقلابی، آن است که هر چه زودتر اجرای بند "ج" آغاز شود یعنی کلیه اراضی دایر و بایر بزرگ مالکی مشمول قانون قرار گیرد و کلیه دهقانان از ثمرات عدالت و رسیدن حق به حقدار برخوردار گردند.

### ضرورت اجرای فوری بند «ج»

هم اکنون اجرای بند "ج" به یک ضرورت ناخبرناپذیر انقلاب و به شرط تردید ناپذیر گسترش و تعمیق آن بدل شده است.

شما نگاه کنید به دهات کشور؛ از همه جا فریاد دهقانان بلند می شود. طومارها نوشته و نامه ها امضای خود، گروه گروه نمایندگان دهقانان به نزد آیت اله منتظری و مجلس شورای اسلامی ایران و نمایندگان مجلس هر ناحیه و نهادها و فرمانداری ها و ائمه جمعه و به روزنامه های کشور می روند. همه یک چیز می گویند و یک چیز می خواهند: بند "ج" اجرا شود، قانون تمام و کمال پیاده شود و هیئت های هفت نفری هر چه زودتر شروع به کار کنند. این اقدامات باید وسعت و ژرفای هر چه بیشتری یابد و مشارکت و فعالیت دهقانان را تأکید بی تردید آنها را و حق طلبی مصرانه آنان را منعکس کند.

شما نگاه کنید به نهادهای انقلابی: سپاه پاسداران در شهرستان های مختلف، علیرغم آنکه بخش مهمی از نیروی قهرمان خود را به جبهه جنگ گسیل داده، چون می خواهد پاسدار انقلاب باشد، هم اکنون در روستاهای ما رودر روی توطئه های بزرگ مالکان قرار گرفته و می بیند که تنها پشتیبانش در دهات، بیل به دست زحمتکش هستند، از این رو سپاه می گوید و مسلما قوی تر خواهد گفت که: بند "ج" را اجرا کنید و انقلاب را نجات دهید. جهاد سازندگی، که می خواهد از ریشه هم چیز را برویاند و زندگی انسانی و سربلندی را برای دهقانان به ارمغان آورد، در عمل می بیند که اولین مانع او نظام بزرگ مالکی است و تا این مانع برداشته نشده، همه تلاش های او بی فایده است و همه فداکاری هایش رنگ و روغنی خواهد بود بر یک بنای ویران. از این رو جهاد از ته قلب می گوید و مسلما نیرومند تر خواهد گفت که: بند "ج" را عملی سازید، تا انقلاب را پیروز کنید. هیئت های هفت نفری، که مامورند یک حق مسلم قانونی و شرعی و حیاتی و برآورده سازنده می خواهند از حلقوم بزرگ مالکان شرمه دسترنج میلیون ها دهقان ستمدیده را بیرون بکشند، می دانند که، به گفته امام خمینی: "ما نه طرفدار فئودالها هستیم و نه طرفدار سرمایه دارها". از این رو هیئت ها با تمام وجود می گویند و باید رساتر هم بگویند: بند "ج" را اجرا کنید و بساط غارتگری غیر انسانی، فساد و زورگویی باور نکردنی را، که ما خود در دهات به چشم دیده ایم، برچینید.

شما نگاه کنید به دولتمداران صاحب مسئولیت، وزیر متعهد، ستاد زمین و حاکم شرع آن، ارگانهای اجرایی دلسوز و در دشنا و آن نمایندگان مجلس، که با مردم زحمتکش حوزة انتخابیه خود پیوند دارند و می خواهند در واقع هم در ایران انقلابی، دولتی سازند بجز دولت زمان ستم

شاهی: اینان که بین خود و زمامداران دوران طاغوت فرق اساسی می بینند، درک کرده اند که تا زمین را به بیل بدست ها ندهند و تا حق مال پینه بدستان نباشد، نمی توان کشاورزی نو را بر شالوده نو استوار کرد. اینسان بی برداند که بعد از تعویق بند "ج"، مشکلات و مسائل بسیار در روستاها به وجود آمده است و همه می گویند و باید هم قاطع تر بگویند که: بند "ج" را اجرا کنید، قانون انقلاب را و آینده کشور را نجات دهید.

شما نگاه کنید به روحانیون پیرو خط امام، به آن مراجع تقلید مردمی و آیات عظام مترقی و فقهای معتبر، که گوهر اصیل اسلام را تشخیص داده اند و در تاروپود طاغوت زدگی و بنسنگی سلاطین و ملاکین گرفتار نشده اند و خرغ های مستوجب آتش ندارند. اینان با قدرت و صراحت در برابر عوام فریبی ها و قشری گری های شستی روحانی نمای ظاهر ساز و صادرکنندگان فتوای ارتجاعی و تفرقه افکنانه، که مردم را به مقاومت و کارشکنی در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران تحریک میکنند، می ایستند. اینان می دانند که اجرای عدالت و دادن حق به حقدار و کوتاه کردن دست غاصبین و متصرفان عدوانی و سندسازان از زمین مزروعی، خلاف شرع نیست و هیچ مالکیتی غیر مشروط و غیر محدود نیست، اینان بر عکس معتقدند که برای شناساندن سیمای واقعی اسلام، نباید جانب مستکبران را گرفت و از جانب آمریکا بازی خورد و عروسک اربابان شد. آنها می گویند و مسلما هر چه بیشتر خواهند گفت که: بند "ج" را اجرا کنید، زمین ها را به دهقانان مستضعف، به زارعین، که زمین را بارور می کنند و وارثین خاک هستند، بدهید.

آری، اجرای بند "ج" فوریت و ضرورت حیاتی دارد و جامعه ما دیگر این واقعیت را می داند و بیان می کند. اجرای بند "ج" برای غلبه در جنگ عادلانه بر ضد تجاوز آمریکایی صدام، برای جلوگیری از توطئه های آمریکا، برای درهم شکستن پایگاه ارتجاع و امپریالیسم، برای جلوگیری از خرابکاری ها در احیاء اقتصادی، برای ایجاد کشاورزی شکوفان و خودکفا، برای تقویت پایه های انقلاب، برای استقرار حاکمیت مردم و احقاق حق مستضعفین، برای عدالت و حقانیت و قانونیت و انسانیت، ضرورت فوری دارد.

بندهای "ج" و "د" گلوگاه قانون اصلاحات ارضی است، شیره حیاتی مسئله و اکاذاری زمین است، نکته گری در الغای بزرگ مالکی است. بدون آن، قانون عبارت می شود از یک مسئله فنی عادی مربوط به احیای اراضی موات. بدون آن، هیچ مسئله سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور حل نمی شود. بدون آن، یکسای از حیاتی ترین مسائل مربوط به سرنوشت انقلاب لاینحل می ماند. از این روست که بر بند "ج" تکیه می شود. از این روست که همه نیروها باید بسیج شود تا بند "ج" اجرا گردد، یعنی قانون تمام و کمال پیاده شود و هیئت های هفت نفری با تمام اقتدار و اختیار، وظیفه خطیر انقلابی خویش را به انجام رسانند.

### همه نیروها باید بسیج شود

برای رسیدن به این هدف فوری و ضروری و اجرای هر چه زودتر بند "ج"، حالا که دیگر حدت و ضرورت و اهمیت مسئله بیش از هر وقت دیگر روشن شده است، همه کس باید برای حل آن فعالانه مشارکت کند و همه

نیروی خود را در این راه بسیج نماید. در برابر اعمال فشارها و تضییقاتی که بزرگ مالکان وارد کردند، و متاسفانه موفق شدند که بند "ج" را موقتا معوق سازند، باید آن نیروی واقعی اجتماعی را، که صدا بلندی می کند و حق می طلبد و از انقلاب دفاع میکند، متحد و بسیج کرد.

ضدانقلاب نیروی خود را بسیج کرد و فشار وارد آورد. انقلاب نیز باید نیروی خود را بسیج کند و فشار او را خنثی کند.

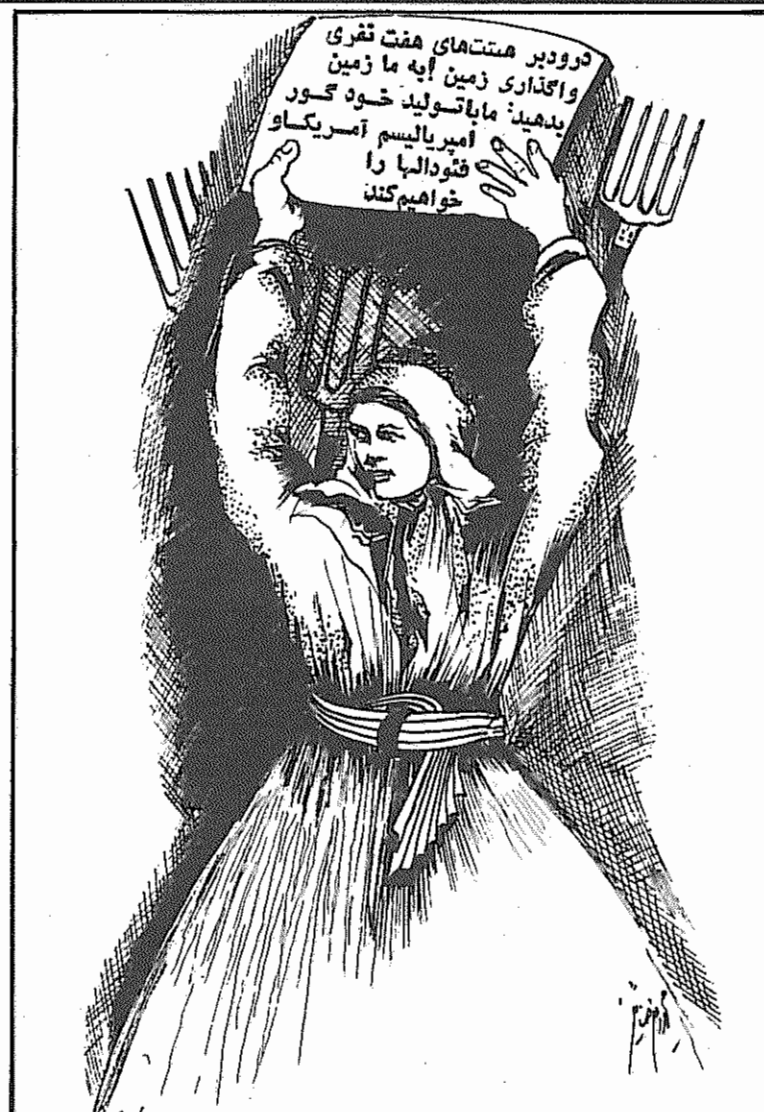
بزرگ مالکان، با تکیه بر لیبرال ها و روحانی نمایان و خرابکاران و چماقداران خود، یک نیروی اجتماعی ضدانقلابی به میدان آوردند. باید یک نیروی اجتماعی انقلابی را، که توانایی داشته باشد با دسائیس و ترفندهای بزرگ مالکان مقابله کند، به هم آوردی و فرستاد، یکصدا و متحد، و اوراشکت داد.

اربابان و عمالشان انقلاب را دچار عقب نشینی ساختند و اصلاحات ارضی را به نشیب کشاندند. حالا دیگر وقت آنست که انقلاب حمله متقابل را انجام دهد، به عقب نشینی پایان دهد، بند "ج" را از بند برهاند دوران فراز و اعتلای نویی را بوجود آورد و برای همیشه به عمر منحوس نظام ارتجاعی و استکباری و استثماری بزرگ مالکی خاتمه بخشد.

چه پیروزی بزرگی برای انقلاب! عنصر اصلی و محور فعال این نیروی اجتماعی انقلابی خود دهقانان هستند. انقلاب بدون باید مابین نکته اساسی توجه داشته باشند. دهقانان زحمتکش مدتی است که با نامه های برامضا و اثر انگشت، با طومارهای بسیار با اعزام نمایندگان به مجلس شورای اسلامی و به مقامات مسئول و به دفاتر فقها و ائمه جمعه، به نمایندگان مجلس هر ناحیه و به مسئولان محلی وارد میدان شده اند. حضور آنها در صحنه نبرد، باید با مشارکت گردانهای تازه تری تقویت شود. باید این بانگ حق طلبی هر چه بیشتر طنین افکن شود.

همه طرفداران حق و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باید بدانند و حس کنند که چه نیروی عظیمی پشتیبان آنهاست و از اجرای قانون و بند "ج" حمایت میکند. در ضمن همه مخالفان حق و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نظامات طاغوت زده، باید بشنوند و حس کنند که چه طوفان عظیمی در کنار آنها میغرد و اجازه حق کشتی و اتخاذ تدابیر ضدانقلابی و ضد خلقی را نخواهد داد. دوست و دشمن باید بدانند که میلیون ها دهقان زحمتکش با نظر بیطرف این معرکه نیستند، بلکه شرکت کننده فعال و آشتی ناپذیر این صحنه نبرد اجتماعی و انقلابی هستند.

همه انقلابیون، در هر جا که هستند و هر مسئولیتی که دارند و به هر شغل و کاری که مشغولند و هر مسلک و عقیده ای که دارند، اگر انقلابی واقعی هستند و در مقابل سرنوشت مردم خود را متعهد میدانند، باید هر کجایی که از دشمنان برمی آید، انجام دهد، تاددهقان را هر چه بیشتر و وسیعتر بسیج کنند و خواست آنها را بصورت نیروی اجتماعی حق طلبانه ای، که قادر خواهد بود در برابر نیروی اخلال و اعمال فشار بزرگ مالکان قد علم کند، سازمان دهند و متحلی سازند. از همه جا تلگرامها و نامه ها و طومارها و نمایندگان میتوانند و باید بیانگر سهم بزرگ دهقانان زحمتکش در انقلاب باشند و بار دیگر، دو سال بقیه در صفحه ۶



## اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

روزنامه «انقلاب اسلامی» در شماره مورخ ۶ اسفند خود نوشته است که:

آیت الله ربانی شیرازی، عضو شورای نگهبان قانون اساسی، در سمینار وحدت در وزارت دفاع، یک سخنرانی ایراد کرده و از جمله گفته است:

«ما باید هشیار باشیم، چون اکنون گروههای چپ و انحرافی در قسمتهای مختلف امور دخالت میکنند و خیرهای ما را میخورند. توده‌های ما و فدائیان (اکثریت) تحت لوای اسلام در صدد ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی‌مان هستند.»

( «انقلاب اسلامی»، ۶ اسفند ۵۹ )

این عبارت را تنها روزنامه «انقلاب اسلامی» منتشر ساخته است. اگرچه در این روزنامه سابق تحریف حقایق و تحریک بمنظور نفی افکنی بسیار دیده شده است؛ ولی از آنجا که تا بحال، از جانب آیت الله ربانی شیرازی مطالب مذکور تکذیب نشده، تذکرات چندی را ضروری میدانیم.

حزب توده ایران اتهامات عنوان شده چون «دخالت در قسمتهای مختلف امور» و ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی، را قویا تکذیب میکند. بنظر ما ایراد اتهام از جانب فردین مسئولیتی چون آیت الله ربانی شیرازی که وظیفه نگهبانی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد، باید بردلایل و شواهد مسلم و بی‌خنده استوار باشد، که چنین دلایل و شواهدی، البته، در اظهارات ایشان وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد، وجود ندارد زیرا که اتهام

ضربه زدن، به انقلاب اسلامی، در حقیقتی که صادقانه و صمیمانه از پشتیبانی کرده و تمام نیروهای خود را در خدمت خشنی کردن توطئه‌های خطرناک دشمنان آن، قرار داده است و در این زمینه خدمات غیر قابل انکار و موثری را نیز عرضه کرده است، نمی‌تواند یر هیچ دلیلی، استوار باشد.

اظهارات آیت الله ربانی شیرازی موجب تعجب ماست.

بنظر ما کسانی که اطلاعات نادرست فوق‌الذکر را در اختیار آیت الله ربانی شیرازی قرار داده‌اند، قصدی جز این نداشته‌اند که سمینار وحدت را از هدف خود منحرف سازند و میان صفوف نیروهای مردم که متحداً در مقابل توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی ایستاده‌اند، تفرقه و جدایی بیاندازند. بیشک اگر مسئولین امور، اینگونه افراد را مورد بررسی قرار دهند و در مورد «اخیار» آنها دست به تحقیق زنند، ماهیت و اهداف آنها روشن‌تر خواهد شد.

در اوج توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی بمنظور منهدم کردن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ایراد اتهام به حزبی که پشتیبان صدیق و بی‌کیف انقلاب است، بدون تردید بسود انقلاب نخواهد بود. کسانی که اینجا و آنجا اخبار دروغ و تحریک آمیز در اختیار شخصیتها و مقامات علاقمند به سرکوشت انقلاب قرار میدهند و آنها را به ناروا علیه حزب توده ایران برمی‌انگیزند، بسود مصالح جمهوری اسلامی ایران، عمل نمی‌کنند.

هشیار باشیم!

هشیار باشیم، تفرقه به سود دشمن است!

## اجرای بند «ج»

بقیه از صفحه ۵

پس از پیروزی، تصمیم قاطع آنان را بدفاع از انقلاب و پیشبرد آن بیان کنند، میتوانند و باید بیانگر آن خواست مبرم و آن حق مسلم و آن دستاورد قانونی دهقانان باشند که، به حکم سه ماه تجربه تلخ، اکنون دیگر همه دست اندرکاران متعهد و مسئولان انقلابی به آن معتقدند و به آن تکیه میکنند و هر لحظه تاخیر را شکستی برای انقلاب وزینه‌ای برای رشد ضدانقلاب میدانند. و آن عبارتست از:

**اجرای بند «ج»!**

دلها در انتظار تصمیم درست مجلس شورای اسلامی ایران است. تاکید مکرر در مکرر شده است که تصمیم به تعویق موقت بند «ج» فقط بعلت شرایط حساس ماه آغازین جنگ و توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی اتخاذ شده، یعنی نه به خاطر شرعی نبودن بند بوده است و نه به خاطر نقضی در قانون. نه علامت حمایتی

از غارتگران بزرگ مالک بوده است و نه نشانه ترک حمایت از زحمتکشان روستاها. بند «ج» تملقی شده است و نه منحل. تعویق موقت بوده است. و اکنون میلیونها دهقان منتظر هستند که شاهد پایان تعویق موقت باشند و آغاز فعالیت همه جانبه و تمام عیار هیئت‌های هفت نفری را ببینند. بارصدها سال بهره‌کشی و زورگویی بر این انتظار سنگینی میکند.

دهقانان منتظرند سبامییدی که میلیونها قلب ستمدیده را به طیش واداشتم تا با تصویب مجلس شورای اسلامی ایران، غده سرطانی مالکیت بزرگ ارضی، که منشا غارت و ستم و فساد و حق گشایی است، برکنده شود و هر چه زودتر هم برکنده شود. از اعماق کشور ما، از چهار گوشه ایران انقلابی، از میان زحمتکش - ترین مردم کشور، از بین همه نهادها و نیروها و سازمان‌های انقلابی این بانگ بگوش میرسد:

## بند «ج» را هر چه زودتر و قاطعتر اجرا کنید!

### به این سخنان توجه کنید:

#### محمد سلامتی وزیر کشاورزی:

«... بدون حل مسئله زمین، به هیچ عنوان نمیتوان برنامه‌ریزی دراز مدت و حتی کوتاه مدت کرد، زیرا هر برنامه‌ریزی روی «زمین بستگی به شیوه مالکیت (خصوصی، دولتی، تعاونی و غیره) دارد و اختصاص نهاد های کشاورزی، وام و خدمات فنی و زیربنایی نیز بدان مرتبط است و لذا تزلزل وضع مالکیت زمین باعث عدم امکان یک برنامه‌ریزی اصولی و صحیح خواهد شد.»

(در پاسخ به این پرسش خبرنگار کیهان که: آیا وزارت کشاورزی میتواند بدون حل مسئله زمین، برنامه‌ریزی اساسی برای روستاها انجام دهد یا نه؟ کیهان چهارشنبه ۱۵ بهمن ۵۹، صفحه ۵، نگاهی به اصلاحات ارضی اسلامی، کشاورزی ایران و مسائل خودکفایی)

#### مسئول وام خدمات کشاورزی در ستاد واگذاری زمین:

«... اما عواقب توقف بند «ج» تا بودی امر کشت ضربه شدید به خود - کفائی و توسعه رشد مملکت و هر چه در روستا و تبلیغات علیه دولت و حاکم شدن روانی فئودالها و تهاجم آنها برای لغو قرارداد، نبودن برنامه برای کلیه لغو و ناتوانی وزارت کشاورزی برای حل مسئله زمین و منتفی شدن برنامه‌ها و مراکز خدمات کشاورزی و نادیده گرفتن افکار عمومی که عواقب سویی دارد، از عواقب توقف این بند است.»

(در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان. ۵۹/۱۱/۱۵ - نگاهی به اصلاحات ارضی...)

#### آقای رحیمی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

«از آقایان آیت اله منتظری، آیت اله مشکینی و آیت اله بهشتی بخواهیم و یا خودمان قانونی تصویب کنیم که این بند «ج» هم به مورد اجرا گذاشته شود... اگر بخواهیم اقتصاد مملکت خوب باشد، باید زمین را بدهیم به بیل بدست‌ها...»

(نطق قبل از دستور جلسه ۲۸ بهمن ۵۹ - نامه «مردم» ۲۹ بهمن ۵۹)

#### سرگون بیت اوشانا، نماینده آشورویها و کلدانیها در مجلس شورای اسلامی:

«تقسیم اراضی باور کامل و بر اساس قانونی که به تصویب شورای انقلاب رسیده است، کشاورزان را به چنان نیروی علاقمند و پشتیبان انقلاب تبدیل خواهد نمود که تا بحال هرگز دیده

## دوباره استقلال...

بقیه از صفحه ۳

وطني از اینست که دموکرات‌های انقلابی ایران، پیروان صدیق خط امام خمینی، مسلمانان راستین مبارز، با این تجربه غنی مسلح شوند و انقلاب ما آن وقت دیگر شکست ناپذیر و استقلال ما خدشه ناپذیر خواهد شد.

لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی می‌گویند به زور تکرار، این نظریه را القاء کنند که: «دولت روسیه نمی‌تواند دوست ایرانی مستقل و متکی به خود و از همه مهم‌تر اسلامی باشد». واژه «اسلامی‌اش»، که برای آقایان یک وزن شعر فرصت طلبانه است و آن‌ها کمترین اعتقادی به آن ندارند. می‌ماند بقیه جمله. آیا این عبارت چه چیزی را به یاد شما می‌آورد؟ شعار معروف «رنجبری» های آمریکایی را، که «ایرانی مستقل و متکی به خود» را نقاب سیاست‌وروشی تخریبی، استقلال - شکنانه و وابسته‌کننده قرار داده‌اند، عبارتی که در صدر نشریه «رنجبر» است و حالا زین صفحات «انقلاب اسلامی» هم شده است! «رنجبر ی» - های آمریکایی اینک دیگر آشکارا و بی - پرده به حمایت از لیبرال‌ها برخاسته - اند، علیه انقلابیون راستین موضع - گیری خصمانه می‌کنند و مسلمانان انقلابی پیرو خط امام را «انحصار - طلبان روسی (!)» می‌خوانند. از قلم سرمقاله نویسن روزنامه «انقلاب اسلامی» عین عبارت «رنجبری» های آمریکایی، بطور «تصادفی» خارج شده؟! نه! این پیوند لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها به منظور جلوگیری از تعمیق انقلاب بسته شده است. عجیب نیست که آن‌ها، هم‌زمان، دوستی دول مستقل و ضد - امپریالیستی منطقه را همچو پتکی بر فرق خود حس می‌کنند.

ولی، علی‌رغم لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی، ما مطمئنیم که صداقت انقلابیون راستین مسلمان و پیگیری آنها در نبرد علیه امپریالیسم امکان خواهد داد که آنها خود را از چنگال عقاید قشری و از قبل ساخته شده و از بند پیشداوری‌های زاینده تبلیغات دشمن نجات دهند، و بر شالوده «همین صداقت و با تجربه» خود، خواهند توانست بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر (به خاطر رویدادهای توفان آسای کشورمان وحدت مسائل مطروحه در آن و سیاحت امپریالیست‌های آمریکایی در تدارک توطئه‌های پاپی) دوستان واقعی انقلاب را بشناسند. در چنین صورتی، انقلاب خواهد توانست با بهره‌گیری از نیروی دوستی و همکاری، با حفظ استقلال کامل، علیه امپریالیسم و وابستگی، پیروز - مندانه نبرد کند.

این مسئله بسیار مهم است و بی‌جهت نیست که لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی چنین همه‌جانبه و با خشم، به زور تهمت‌ها و افتراهای به کلی بی‌پایه و ساختگی بر آن می‌تازند. بسیار مهم است، زیرا در استراتژی و تاکتیک انقلاب، تعیین متحدین و دوستان و همه نیروهای که می‌توانند در جهت وارد کردن ضربه بر دشمن اصلی همکاری کنند و در راه رسیدن به هدف استراتژیک یا زورهم - راه و هم‌رزم باشند، یکی از نکات عمده است. انقلاب ما، اگر این مسئله مهم استراتژیک را نیز حل کند، بر توانایی خویش و قدرت تاثیر انقلابی خود در سراسر گیتی خواهد افزود. آری، ما عمیقاً باور داریم که می‌توان و باید مستقل و غیروابسته و غیرمتعهد باقی ماند و دوست همه دوستان انقلاب، از جمله نیروها و کشورهای سوسیالیستی، از جمله اتحاد شوروی بود. همانطور که قذافی گفت، اسد گفت، عرفات گفت و دهها رهبر نهضت‌های آزادیبخش، بر اساس تجربه خود گفته‌اند. ما تردید نداریم که همه انقلابیون صدیق به این اصل متقاعد خواهند شد، زیرا این جزو واقعیت نیست. و ما هر چه در نرسد ضد امپریالیستی خود پیگیری‌تر، در استقلال طلبی خود مستحکم‌تر و بی‌بیتار باشیم، زودتر به این نتیجه خواهیم رسید، بسی زودتر از نمونه‌های مشابه در کشورهای دیگر، علی‌رغم تلاش‌های مذبحانه لیبرال‌ها و مائوئیست‌های وطنی.

ادامه دارد

# دو کلمه درباره میتینگ لیبرال ها

میتینگ لیبرالها که عصر پنجشنبه گذشته در ورزشگاه امجدیه برگزار شد و در آن چهار لیبرال شناخته شده، در برابر جمعیتی به نسبت انتظارشان پس قلیب، متشکل از تمامی طرفداران (از ساواکیها گرفته تا طاغوتیهای «امیدوار») و نیز گروهی تماشاچی کنجکاو، پیراد-نطق پرداختند، در واقع میتینگ خود افساگری بود و لذا نیاز چندانی به اشاء هدف تشکیک آن نظر نمیرسد. معذالک بیجاست به چند نکته اشاره کنیم تا این خود افساگری را تکمیل کرده باشیم.

در این میتینگ هیچکدام از ناظین چهارگانه، نامی از آمریکا بعنوان دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نبردند و اشاره‌ای به توطئه‌های مکرر گذشته و امروری آمریکای جنایتکار که برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران طرح و اجرا کرده و میکند، نکردند. لیبرالها، که آمریکا را نه دشمن بلکه دوستی میدانند که میتوان نامه شکوائیه از «علیحضرت» در میان دسته گل (روسینه امیر انتظامها) بوی تقدیم داشت تا «آزادی و حقوق بشر» نوع آمریکائی را در ایران

مراعات کند، در سیاست خود یگیرند. کشور ما در حال جنگ است و این جنگ بتحریک آمریکا بدست داروسته صدام جانی بر کشور ما تحمیل شده است. اما لیبرالها در میتینگ «برنامه‌ای» خود این جنگ تجاوزی را نیز که توطئه جنایتکارانه نوبتی آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، محکوم نکردند. زبان لیبرالها در محکوم کردن آمریکا، حتی اگر بصورت جنگی علیه کشور و انقلاب ما باشد، الکن است. لیبرالها در میتینگ خود، از سرمایه داری بزرگ وابسته که هنوز پایگیا، اقتصادی بزرگی بویژه در «بازار» در اختیار دارد و منشاء گرانی روزافزون و غارت بپردازی زحمتکشان کشور است نامسی نبردند. آنها میدانند که این پایگیا اقتصادی-اجتماعی ضدانقلاب و «پنجره» است که اگر باز بماند، آمریکا از آن و بکمک بوزروازی لیبرال ایران میتواند بازگردد. لیبرالها در میتینگ خود، سخنی از بزرگ مالکی و فئودالیسم در روستا، از لزوم اجرای اصلاحات ارضی بسود دهقانان زحمتکش، بزمین و کبزمین بمیان نیاروند.

لیبرالها میدانند که بزرگ مالکان و فئودالها، مانند کلان سرمایه داران، متحد آنها بر ضد محتوای ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب ایرانند و آنها نمی‌خواهند و نمی‌توانند بر ضد متحدین خود، بسود زحمتکشان و مستضعفین، موضعگیری کنند.

در عوض لیبرالها در میتینگ خود با خشم ناشی از احساس آشتی ناپذیری انقلاب با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، یا خشم ناشی از احساس تمعق انقلاب بر ضد کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و بسود زحمتکشان و مستضعفان، بر حاکمیت انقلابی، بر دولت و مجلس شورای اسلامی تاختند. آنها در حالیکه آزادانه میتینگ تشکیل داده‌اند بودند و در این میتینگ داد سخن میدادند، مدعی شدند که «اختناق» حاکم شده است.

آنها در پاسخ باین سؤال که آیا میخواهند دولت را ساقط کنند (سؤال راه خود، طرح کردند)، بپرده پاسخ آری دادند. گفتند «ما باین دولت... رای مخالف دادیم». این «دولت سبیل و آلت فضل یک

جریان سیاسی حاکم است»، «آنها باید تغییر داد». آنها خشم و غضب خود را بر حزب توده ایران نیز فروریختند. آنها چشم دیدن «توده ایها» را ندارند، چونکه میدانند حزب توده ایران با نفوذ و رسوخ و بازگشت آمریکا مخالف است، با بزرگ سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی مخالف است، خواستار تمعق خصیصه‌های ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و خلقی انقلاب شکوهمند ایران، طرفدار و پشتیبان خط امام است. لیبرالها خواستند وانمود کنند که طرفدار آزادی و مخالف «اختناق» اند، ولی آنها طرفدار آزادی فقط برای سرمایه داران و مالکان، فقط برای بوزروازی لیبرال ایران و طرفدار «اختناق» برای هر نیروی هستند که ضد امپریالیستی، استقلال طلب، خواستار نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان باشد.

لیبرالها از این رو با دولت مخالف و خواستار «تغییر» آند که خود قدرت را قبضه کنند. آنها خواست ریکان را می‌خواهند تحقق بخشند، دولت «معتدل و میانه‌رو» خواست ریکان را بوی کار آورند

که مقدمه‌ای برای برقراری فاشیسم و سرکوب مخالفین است. آنها خواستار بازگشت آمریکا بوسیله دولتی از «نهضت آزادی» هستند. آنها که فدای انقلاب «پشیمان» شدند، سه سهار به ۹ بار غلط کردند که در انقلاب شرکت کرده‌اند، امروز دیگر به جاده صاف کن ضدانقلاب، به جاده صاف کن امپریالیسم به سرگردگی آمریکا «تکامل» یافته‌اند.

لیبرالها در میتینگ برنامه‌ای خود بقدر کافی نشان دادند که بیرون از جریان «خط برژینسکی» و «خط ریکان» اند. ولی این «خطی» است شکست خورده که در آینده بیشتر شکست خواهد خورد.

میتینگ لیبرالها در نهایت آزادی برگزار شد، ولی جمعیت به نسبت قلیلی که در این میتینگ شرکت کرد و (غیر از گروهی تماشاچی کنجکاو) تمامی طرفداران را از ساواکیها گرفته تا طاغوتیهای «امیدوار» تشکیل میداد، بخوبی نشان داد که مردم انقلابی ما فریب لیبرالها را نمی‌خورند، آنها را شناخته‌اند و سیاست جاده صاف کن‌های ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا، محکوم به شکست محتوم است.

## در حاشیه

میتینگ بیرون خط برژینسکی با عدم شرکت میلیونها نفر از توده‌های خلقی در همان محلی که سه سال پیش هواداران بختیار یا شمار «بختیار سنکرت» در این میتینگ عظیمه ترکیب شرکت کنندگان همان ترکیب میتینگ پشتیبانی از بختیار بود با یک فرق:

در میتینگ سه سال قبل بختیار، «رنجریها» ها شرکت نداشتند ولی پنجشنبه گذشته آنها از فعالین اصلی بودند!

میتینگ بیرون خط برژینسکی یک فرق دیگر هم با میتینگ سلف خود داشت:

تعداد ساواکیها، رنجریها و طاغوتیها که شرکت کنندگان اصلی در میتینگ بودند به اضافه عده قلیلی گمراه که فکر می‌کنند لیبرالها صادقانه عمل می‌کنند، نصف تعداد میتینگ قبلی بود. علتش هم روشن است چون عده زیادی از ساواکیها و طاغوتیها برای «دامه مبارزه» به وطن خود آمریکا رفته‌اند. بنابراین آنچه ته دیگر برای هم زدن بیرون خط برژینسکی مانده بود جمعیتی نزدیک ۱۵۰۲۰ هزار نفر بود. که البته این رقم به لطف ما به این عدد رسید، وگرنه حضار محترم که با اتومبیل‌های آخرین سیستم به استادیوم امجدیه تشریف فرما شده بودند هرچقدر هم گشاد گشاد ایستادند چمن امجدیه پر نشد که نشد. روزنامه «میزان» نوشت که «قریب به یکصد هزار نفر از مردم دلیر» در میتینگ شرکت داشتند. البته ما در نظر میگیریم که همیشه امکان غلط چایی یا اشتباه لیبی هست که یک صفر زیادی گذاشته شده باشد و شاید هم در شماره بعد تصحیح شود. و اگر چنین نباشد لابد رهبر تانویس «میزان» درست میزان دستش نبوده یا از گنجایش ورزشگاه بی‌خبر بوده یا، به ظن غالب اعضای خانواده‌ها و خویشان سببی و نسبی هر فرد حاضر در امجدیه را نیز در محاسبه منظور کرده است!

شعار اصلی جمعیت «آزادی» بود. از لیبرال‌های سخنران گرفته تا ساواکیها و طاغوتیان عزیز بی‌در پی در نیون «آزادی» شعار می‌دادند. همه صحبت‌ها از اختناق و سانسور بود. و این سخنان در حالی ایراد

میشد که چهار نماینده لیبرال تاکنون هرچه دل تنگشان خواسته در مجلس گفته‌اند. دو روزنامه ارگان دارند که در آن مستقیماً برای سرفکونی دولت تلاش می‌کنند. خیر همین میتینگشان از رادیو پخش شد. در اختیار تلویزیون فیلمی از آن نمایش دادند. قبل از میتینگ با دهها اتومبیل در شهر می‌چرخیدند و برای میتینگ تبلیغ می‌کردند. هنگام برگزاری میتینگ هم ماموران انتظامی با کمال جدیت مراقب اوضاع بودند و نه تنها اجازه ندادند، برخلاف روش مرسوم روز، کسی به ساواکیها و طاغوتی‌ها «اختناق» حمله کند، بلکه اگر کسی هم صدای مخالف بلند کرد او را گرفتند و کت‌بسته، بردند. مثلاً وقتی آقای بازرگان سخن می‌گفتند جوانی یک روزنامه «میزان» بلند کرد و یک پرچم آمریکا از آن بیرون کشید. در این موقع ماموران آن جوان را دستگیر کردند و در فاصله‌ای که او را از میدان خارج می‌کردند، ضد چاقوآوران محترم و محترم حسابی جوان را کتک زدند! (ناگفته نماند که ما اصولاً با سیاست آزادی میتینگها و آزادی بیان و اجتماعات و احزاب که در جهت تخریب مبانی انقلاب و جمهوری نباشد و کلیه آزادیهای مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موافق و مراقبتی را که از گردم آتی لیبرالها بعمل آمد و معنای آن تسلط قانون انقلاب بود، تأیید می‌کنیم).

با اینهمه، فریاد «آزادی» شرکت کنندگان محترم لحظه‌ای قطع نمیشد. و این فریاد صد البته که واقعیت داشت. هر چند میتینگ در نهایت آزادی برگزار میشد، اما سوز دل حضار از جای دیگر بود: از آفق آینده‌ای که در آن آزادی غارت، استثمار، شکنجه، عیاشی، فحشاء نباشد و از هم‌اکنون نیز آن «آزادی» مورد تمسخر و تعدید قرار گرفته‌است... بله، حضار محترم دلشان برای آزادیهای آریامیری لک زده بود. و این فریاد «آزادی» از این سوز دل آب میخورد.

خانها و آقایان محترم (۱) و محترم (۲) در تمام طول میتینگ، برای گول زدن بقیه هم که باشد، نه تنها یک شعار علیه امپریالیسم آمریکا ندادند، بلکه حتی اسم آمریکا را هم نیاروندند. سخنرانان لیبرال هم نه اسمی از امپریالیسم آمریکا آوردند، نه به خطرات آن اشاره کردند، نه از جنایات آن سخن گفتند و نه نام «وطن» گرامی خویش را بر زبان آوردند. (شاید

هر اس لغو شدن دکارت سبزها بود) و علاوه از ضد انقلاب هم یک کلمه حرف نزنند. کلمه‌ای به توطئه‌های دشمنان انقلاب اشاره نکردند و برای رد گم کردن هم که شده صحبتی از سرمایه داران وابسته و کلان زمینداران هم که خون ملت را هنوز می‌مکنند بر زبان نیاروندند (از قدیم گفته‌اند چاقو دسته‌اش را نمی‌برد). لیبرالهای دعوت کننده به میتینگ آنقدر در جامعه بی‌اعتبار شده‌اند و لیبرال آنچنان بدنام شده است، ابتذال روشهای لیبرالی در مخالفت با تمعق انقلاب بقدری بر ملا شده و ماهیت و هدفهای لیبرالها، تا آن حد بی‌آبرو است که بسیاری از کسانی که خود لیبرالها فکر میکردند سیاهی لشکر در امجدیه خواهند شد نیامند. حساب‌های سران لیبرال‌های دست‌آموز سرمایه‌پاری و بزرگ مالکی که خواستار سازش با آمریکا هستند غلط از آب درآمد.

شمار دیگری حضار محترم «بازرگان سنکرت» را تکبانه بود و بقیه شمارها هم مو به مو مطابق دستورات ریکان بود. علیه دولت - علیه حزب توده ایران. و بالاخره این میتینگ بسیار جدی که در آن مسائل با اهمیت مطرح شده بود، برای اینکه ساواکیها و طاغوتی‌های عزیز از تفریح دور نشده باشند با شوخی هم همراه بود. این شوخی که آن روی دیگر دستور ضد توده‌ای ارباب ریکان بود، چیزی نبود غیر از تمسخر کردن توده‌ایها به برهم زدن مراسم ساواکیها و رنجریهای حاضر که خود بهتر از هر کسی میدانند که چقدر علیه حزب توده ایران چاقو کشیده‌اند و در دهها و دهها حمله‌ای که به دفاتر، اعضاء، کیوسک‌ها و کتابفروشی‌های حزب توده ایران در دو سال گذشته شد (به فهرست منتشره در نامه «مردم» مراجعه کنید) چه نقشی داشته‌اند. ساواکیها، طاغوتیها و رنجریها که خودشان و دوستانشان در غارت و بستن دفاتر حزب توده ایران سیم بوده‌اند و در سازمان دادن «چاقوآوری» همواره شرکت داشته‌اند، روز پنجشنبه در حالیکه آزادانه میتینگ علیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل داده بودند، سناریوی دقیقی را ساخته و پرداخته بودند. نخست یک دسته اول علیه سخنرانان سر و صدا می‌کردند و سپس دسته دوم شعار می‌دادند: «مرگ بر توده‌ای»، «چاقوآور - توده‌ای پیوندتان مبارک!» و بقیه ساواکیها، طاغوتیها و رنجریها این شعار را با شور و هیجان تکرار می‌کردند. بعد هم از یک طرف دیگر گروهی که نقش «حزب‌اللهی» را بازی می‌کردند شعار می‌دادند: «دلیران، توده‌ای پیوندتان مبارک!!» مقصود

از این نمایش مسخره این بود که توده‌ایها را عامل برهم زدن میتینگ نشان بدهند. بعد هم ارگان بیرون خط برژینسکی با استفاده از سناریوی خود ساخته اظهار لحن فرمودند: «آنچه گفتند، در فضای امجدیه به اثبات رسید و نمی‌توانستند بگویند اخلاک‌گری توده‌ایها و چاقوآوران به بهترین بیانی آشکار ساخته (میزان- ۹ اسفند ۵۹)

و سرانجام میتینگ «باشکوه» بیرون خط برژینسکی در استادیوم امجدیه یک - بی سفر بسود مردم پایان یافت و بار دیگر معلوم شد که آقایان لیبرال چه در چپته دارند و بر تمام سئوالاتی که مردم از آنها دارند یک سئوال دیگر اضافه شد که امیدواریم بیرون خط برژینسکی به آن پاسخ بدهند:


آن ۱۵۰۲۰ میلیون نفر کجا بودند؟

اگر خاطراتان باشد آقای بازرگان با یک و نیم میلیون رای و دیگر سخنرانان میتینگ پنجشنبه با آرای بین ۲۰۰ تا ۹۰۰ هزار به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. ما همان موقع نوشتیم که این «معجزه بزرگ»، در هنگام شمردن آراء اتفاق افتاده وگرنه مردم به کسانیکه با «دسته گل» معروف از شاه به آمریکا شکایت کرده‌اند و با «مذاکره» آمریکا از ایران بیرون کرده‌اند از این رای‌ها نمی‌دهند. میتینگ پنجشنبه گذشته تعداد واقعی رای دهندگان را نشان داد. ما از آقایان می‌پرسیم اگر ۱۵۰۲۰ هزار شرکت کننده میتینگ عظیمه شما را (با حداکثر اعضا) از یک و نیم میلیون رای کم کنیم میماند یک میلیون و چهارصد و هشتاد و اندی هزار نفر که در میتینگ حضور نداشته‌اند. ممکن است بفرمائید این رقم «ناچیز» کمبود چه شده است؟ و اساساً آیا آقایان هنوز برای نمایندگی خود مشروطیتی قائل هستند؟ و یک خواست قدیمی:

«پروتکل بی‌اهمیت!» مذاکرات با برژینسکی را منتشر کنید!

در همان میتینگ «باشکوه» آقای مهندس بازرگان در اشاره به ملاقات معروف با برژینسکی گفت که «ما وقت مملکت را بالاتر از این میدانیم که به این مسائل بپردازیم» و باین ترتیب نشان داد که ملاقات با مشاور امنیتی کارت بی‌اهمیت بوده است. از آنجا که این مسئله برای ایشان کوچک و بی‌اهمیت است، ما بار دیگر از ایشان میخواهیم پروتکل این مذاکرات را منتشر کنند و باین ترتیب اجازه بدهند مردم هم به بی‌اهمیت بودن آن ملاقات پی ببرند!

### تقویم سال نو



مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- ★ برخورد انقلابی زحمتکشان در قبایل اعصاب و وظیفه دولت (شماره ۴۵۴)؛
- ★ توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب متنوع و هم‌جانبه‌تر میشود (شماره ۴۵۵)؛

۱۳۶۰

بزودی منتشر میشود

### توجه!

روشنفکران زحمتکش، افرادیروهای مسلح، کمونیست‌ها و اعضاء «اتحادیه جوانان»، زنان، پسران و دختران و همه زحمتکشان را فرا می‌خواند که، شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان را با دستاوردهای درخشان در زمینه فعالیت خود هم‌راه سازند و از اینراه تحول مبین سوسیالیستی ما را گامی بزرگ به پیش رانند.

کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان اعتقاد راسخ دارد که همه مردم مغولستان، بیش از پیش، زیر پرچم حزب خود، در راه ایفای مصوبات کنکره هفدهم حزب انقلابی خلق مغولستان، پلنوم‌های کمیته مرکزی و وظایف برنامه پنجساله کوشا، خواهند بود. و شصتین سالگرد انقلاب خلقی را بگونه‌ای شایسته برگزار خواهند کرد.

یک کنفرانس شوریک بین‌المللی را تدارک ببینند.

۸- «وزارت فرهنگ جمهوری خلق مغولستان»، «کانون نویسندگان مغولستان»، «اتحادیه هنرمندان»، «اتحادیه آهنگسازان مغولستان»، «اتحادیه نقاشان»، «کمیته آغاز گران نبرد انقلابی» و «کمیته دولتی تربیت‌بدنی و ورزش» جمهوری خلق مغولستان وظیفه دارند که به تدارک و اجرای برنامه‌های خاص جشن آینده در زمینه فرهنگ، ادبیات، هنر و ورزش بپردازند. باید به افتخار شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان آثار جدید ادبی و هنری آفرید، به تهیه نمایشنامه‌ها و فیلم‌های ویژه پرداخت و نمایشگاه‌ها و دیگر گردهمایی‌های فرهنگی - ورزشی برگزار کرد.

کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان کارگران، دامداران، دهقانان،

### از قطعه‌نامه کمیته...

بقیه از صفحه ۷

۶- ارگانهای مطبوعاتی و «کمیته دولتی اطلاعات، رادیو و تلویزیون» وظیفه دارند که برنامه‌های انتشاراتی و ترجمه خود را بمناسبت شصتین سالگرد انقلاب خلقی جامعه عمل ببوشانند. در این زمینه، باید فعالیت‌های زحمتکشان مغولستان، دستاوردهای انقلاب خلقی مغولستان، کمک برادرانه اتحاد شوروی و دوستی استوار مغولستان - اتحاد شوروی را هم‌چنان بزرگ داشت.

۷- «انستیتوی تاریخ حزب»، «مدرسه عالی حزب» وابسته به کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان و «آکادمی علوم» وظیفه دارند که، بمناسبت شصتین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان، برگزاری



# اعزام پنجاه مستشار نظامی آمریکابه السالوادور

کمیته‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا به رژیم حاکم در السالوادور همچنان ادامه دارد. طبق گزارش روزنامه «واشنگتن استار»، دولت آمریکا معادل سی میلیون دلار اسلحه و مهمات و تجهیزات نظامی به رژیم السالوادور کمک میکند. علاوه بر این، یک گروه دیگری از مستشاران نظامی آمریکا به السالوادور اعزام شده‌اند که در نیروی دریایی آن کشور خدمت خواهند کرد. بزودی نیز پنجاه کارشناس نظامی آمریکایی برای تشکیل گروه‌های ویژه سرکوب نیروهای مردمی، که علیه رژیم وابسته این کشور دست به قیام زده‌اند، به السالوادور اعزام خواهند شد.

## در شورای وزیران سازمان وحدت آفریقا

شورای وزیران سازمان وحدت آفریقا در جلسه نوبتی خود، که در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، تشکیل شد، مسئله لزوم فراخوانی جلسه فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد را جهت اتخاذ تدابیر مجازاتی علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بررسی کرد. در قطعنامه‌ای که در این جلسه به تصویب رسید، تأکید شده است که رژیم نژادپرست جمهوری آفریقای جنوبی تاکنون، برغم قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، از واگذاری استقلال به نامیبیا امتناع ورزیده است.

## پشتیبانی مردم افغانستان از تشکیل جبهه واحد ملی و میهنی

در اجتماعات و جلساتی که در شهرها و روستاهای مختلف جمهوری دمکراتیک افغانستان برگزار می‌شود، کارگران و دهقانان و نمایندگان روحانیون و روشنفکران پشتیبانی خود را نسبت به تشکیل جبهه واحد ملی میهنی در کشور ابراز میدارند. طی چند روز اخیر، در ایالات بلخ، پروان، زابل، لغمان و دیگر ایالات کشور، با شرکت هزاران نفر از اقشار مختلف اهالی، چنین جلساتی برگزار شده است. شرکت کنندگان در این جلسات اظهار آمادگی میکنند که در فعالیت‌های این جبهه، که نیروی متحد و مقتدری برای مقابله با دسائس امپریالیستی و توطئه‌های ضدانقلاب خواهد بود، مجدداً شرکت خواهند کرد.

## افزایش محصولات کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی عضو شورای تعاون اقتصادی

طبق اطلاعاتی که از جانب دبیرخانه شورای تعاون اقتصادی کشورهای سوسیالیستی انتشار یافته، طی ۲ سال اخیر، میزان سرانه محصول کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی عضوین شورامتجاوز از سی درصد افزوده شده است. میزان متوسط افزایش محصول کشاورزی در سطح جهانی طی این مدت فقط ۱۰ درصد بوده است. اکنون یک پنجم محصول کل غله جهان و یک سوم شیره گوشت در کشورهای سوسیالیستی عضو شورای تعاون اقتصادی تولید میشود.

## نخست‌وزیر انگلیس - کارگزار واشنگتن در اروپای غربی

مارگارت تاچر، نخست‌وزیر انگلستان، در مذاکرات با ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، روابط میان دو کشور و همچنین روابط آمریکا با اروپای غربی را مورد بحث قرارداد. از جمله مسائل مورد بحث رئیس‌جمهور آمریکا با نخست‌وزیر انگلستان، اوضاع السالوادور و پشتیبانی دول غربی از رژیم حاکم در آن کشور است. روزنامه‌های لندن، در آستانه سفر تاچر به آمریکا، اظهار نظر کردند که، نخست‌وزیر انگلستان نقش کارگزار واشنگتن را در اروپای غربی ایفا میکند.

بیستم تیرماه سال آینده مصادف خواهد بود با شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان. این رویداد برای زحمتکشان کشورما، برای دوستان ما در خارج، بمثابة جشن پیروزی سوسیالیسم واقعی در شرایط مغولستان، پیروزی اندیشه‌های جاودانی مارکسیسم - لنینیسم و اترناسیونالیسم پروлетری خواهد بود.

ما بخود می‌بایم که خلق مغول، پس از پیروزی انقلاب خلقی خود و غلبه بر دشواری‌های سهمگین، از فئودالیسم به نظام سوسیالیستی فراچسبید و اینک برای تکمیل ساختمان سوسیالیسم در کشور می‌روزم. بدینسان، آرزوی پیشاهنگان انقلاب خلقی مغولستان درباره آینده‌ای تابناک، به حقیقت پیوسته است. راز این کامیابی را باید در رزم جانبازانه خلق مغول، برهبری پیشاهنگ آزموده آن، حزب انقلابی خلق مغولستان، و در کمک‌های همه‌جانبه و برادرانه پشتیبانی اترناسیونالیستی اتحاد شوروی جستجو کرد. پیروزی انقلاب خلقی دگرگونی‌های بنیادی را در همه گستره‌های زندگی اجتماعی در پی داشت. حاکمیت دولتی در دست توده‌های خلق تمرکز یافت، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک دامداران زحمتکشان (آزادها) استحکام پذیرفت و کام یکم به دیکتاتوری طبقه کارگر فراروید. بدین ترتیب، پس واپس ماندگی صدها ساله غلبه شد و رشته‌های مدرن اقتصادی جایگزین اقتصاد قبیله‌ای - دامداری گردید. با تکمیل روند تعاونی‌سازی در اقتصاد آراتی (تعاونی‌های امدادی) در پایان سالهای پنجاه، مناسبات تولیدات سوسیالیستی در سراسر اقتصاد ملی جمهوری خلق مغولستان پیروز شد. اصل بنیادی «از هر کس به اندازه توانایی و به هر کس به اندازه کارش»، تحقق پذیرفت. جمهوری خلق مغولستان به کشوری کشاورزی - صنعتی تبدیل میشود.

## گسترش صنعتی

انقلاب فرهنگی انجام پذیرفته و پیوسته‌تر رفتن می‌یابد. ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم پایه استوار زندگی معنوی جامعه مغولستان را تشکیل میدهد.

در روند نوسازی جامعه، حزب انقلابی خلق مغولستان، که شصتمین جشن سالگرد تأسیس آن نیز در سال ۱۹۸۱ برگزار میشود، نقشی تعیین کننده دارد. «حزب» که نیروی رهگشا و رهبر جامعه بشمار میرود، سنگبری اساسی تحولات جامعه را تعیین می‌کند و توده زحمتکشان را برای ایفای وظایف آتسی ساختمان سوسیالیسم تشکل می‌بخشد و بسیج می‌کند. «حزب» اینک پیکار خلق را در راه اجرای برنامه تکمیل برنامه سوسیالیسم در جمهوری خلق مغولستان و تبدیل آن به کشوری صنعتی - کشاورزی رهبری میکند. روند صنعتی کردن سوسیالیستی کشور ادامه می‌یابد. اکنون صنعت بیش از ۴۰ درصد فرآورده اجتماعی و متجاوز از ۲۷ درصد درآمد ملی را تأمین می‌سازد. تولید سوخت، انرژی، مصالح ساختمانی و معادن هر چه بیشتر رشد می‌یابد. بالاترین سطح تکنیک سبب میشود که کارگران در کارخانه‌های بزرگ مجوز به تکنیک و تکنولوژی مدرن تمرکز یابند و هسته صنعتی طبقه کارگر استحکام پذیرد.

اجرای برنامه تعاونی لنینی در جمهوری خلق مغولستان به تغییرات بنیادی در زندگی زحمتکشان روستاها و سراسر جامعه انجامیده است. کشاورزی سوسیالیستی بگونه‌ای پیگیر گسترش می‌یابد. درجه تجویز و بهره‌وری تولید کشاورزی بالا میرود. اتحادیه‌های کشاورزی و بنگاههای دولتی، از نظر سازمانی - اقتصادی، مستحکم می‌شوند.

با گسترش زمین‌های کشاورزی و توسعه تولیدی غلات، زراعت به شاخه مستقل اقتصاد ملی تبدیل می‌گردد. بدین ترتیب میتوان نیازمندی داخلی آرد را از منبع تولید خودی تأمین کرد. صندوق پایه

## بمناسبت شصتمین سالگرد پایه‌گذاری «حزب انقلابی خلق مغولستان» (۱۰ اسفند ۱۹۴۹)

## از: قطعنامه کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان

(معادل سوسیالیستی اصطلاح «سرمایه ثابت» در روش تولید سرمایه‌داری. صندوق پایه، اجزائی مانند ساختمان، ماشین آلات و تجهیزات را دربر میگیرد - مترجم) در سال ۱۹۷۹، ۴۸ برابر ۱۹۶۹ بود. رشد و تحول سرمایه‌گذاری، ترابری، پست و مخابرات، فرهنگ، علم، بهداشت و آموزش بسیار رضایت بخش بوده است.

حزب انقلابی خلق مغولستان مبارزه در راه رفاه خلق و بالابردن سطح زندگی زحمتکشان را بر پایه افزایش پیگیر بارآوری کار و تولید اجتماعی، همواره یکی از وظایف اساسی خود دانسته است. در کشور ما اکنون در ازای هر ده هزار شهروند، ۱۰۵ تخت بیمارستان و ۲۲ پزشک وجود دارد. درآمد واقعی به نسبت ۱۹۶۰، ۱۹۹ برابر شده است. همراه با روند شتابنده جامعه نو، دمکراسی سوسیالیستی گسترش می‌یابد و توده‌های خلق هر چه بیشتر در رهبری کشور و تولید اجتماعی شرکت می‌کنند. مناسبات تولیدی و روش‌های مدیریت برنامه‌وار تولید تکامل می‌یابد.

## حل مسائل کلیدی

در راه اجرای قطعنامه‌های کنگره هفدهم حزب انقلابی خلق مغولستان و پلنوم های کمیته مرکزی، رهبری «حزب» همه سازمانهای حزبی و توده‌ای و ارگانهای دولتی و اقتصادی را بر آن میدارد که بهره‌وری تولید اجتماعی و بارآوری کار را بالا برند، کیفیت کار را بهبود بخشند، ذخیره‌های داخلی را بسیج کنند، اصل صرفه‌جویی را محترم شمرند، در میان مردم روحیه کار کمونیستی را پرورش دهند و در راه کاربست تجربیات مترقی و دستاوردهای علمی - فنی در تولید کوشا باشند.

مسابقه سوسیالیستی به حربه کارای تربیت کمونیستی زحمتکشان و شکوفایی ابتکار خلاق تبدیل شده است. مصوبات پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان (۱۹۷۹) دارای اهمیت بنیادی برای تحول آینده کشور است. همچنین لازمست که مصوبات پلنوم ششم (۱۹۷۹) درباره بالابردن سطح آموزش اقتصادی زحمتکشان بالا برد.

## وجهه بین‌المللی حزب انقلابی خلق مغولستان

حزب انقلابی خلق مغولستان بر آنست که باید اتحاد همه نیروهای انقلابی را تحکیم بخشید. حزب انقلابی خلق مغولستان، بعنوان یکی از گردانهای جنبش جهانی کمونیستی، وظیفه بنیادی خود میداند که همه کوشش خود را برای توان بخشی جامعه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد جنبش جهانی کمونیستی، پشتیبانی از نبرد انقلابی طبقه کارگر و جنبش آزادی بخش ملی، بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و اترناسیونالیسم پرولتری، و مبارزه آشتی ناپذیر علیه ایدئولوژی دشمن، هر گونه شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی، ناسیونالیسم ارتجاعی

و اپورتونیزم راست و «چپ» بکار برد. دیگر وظایف مهم اترناسیونالیستی حزب انقلابی خلق مغولستان عبارتست از: افشاکری بی‌امان سرشت ضدمارکسیستی، ضدسوسیالیستی و ضد خلقی مائوئیسم ارتجاعی، پیکار با سیاست برتری جویانه، گسترش طلبانه و تجاوزکارانه رهبران کنونی چین - سیاستی که صلح و امنیت خلقها را بخطر می‌اندازد.

جمهوری خلق مغولستان، بعنوان عضو برابر حقوق جامعه کشورهای سوسیالیستی، پیوسته و پیگیر، دارای سیاست خارجی صلح جویانه بوده است. این کشور خواهان تحکیم صلح و امنیت در آسیا و سراسر جهان و توسعه همکاری میان خلقهاست. جمهوری خلق مغولستان، همراه با متحدان خویش، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، فعالانه در راه تعمیق روند تنش زدایی، قطع مسابقه تسلیحاتی و ادامه خلع سلاح فعالانه مبارزه میکند.

در سالهای گذشته وجهه بین‌المللی جمهوری خلق مغولستان، همواره بالا گرفته است. این کشور، بعنوان عضو سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای مهم بین‌المللی، با بیش از ۹۰ کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد.

## برنامه‌های متنوع و همه‌جانبه

خلق مغول، بحق، به دستاوردهای خود در گستره ساختمان جامعه‌های جدید می‌بالد و پیگیرانه در راه اجرای مصوبات کنگره شانزدهم حزب انقلابی خلق مغولستان و وظایف برنامه پنجساله ششم می‌روزم. دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان وظایف زیرین را مقرر میدارد:

۱- «حزب»، سندیکاهای اتحادیه جوانان، ارگانهای دولتی و اقتصادی و کانونهای فرهنگی به تدارک همه‌جانبه و شایسته جشن‌های شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان خواهند پرداخت.

۲- همه ابتکار فعالان و گروههای کار در صنعت، ساختمان، کشاورزی و دیگر شاخه‌های اقتصاد ملی، در راه تدارک مسابقه سوسیالیستی، بافتار شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان، بکار خواهند رفت. سازمانهای حزبی، سندیکاهای اتحادیه جوانان، ارگانهای دولتی و اقتصادی و گروههای کار همه کوشش خود را برای اجرای مصوبات کنگره هفدهم حزب انقلابی خلق مغولستان، برنامه پنجساله ششم و وظایف نخستین سال برنامه پنجساله کنونی، تأمین ادامه افزایش تولید صنعتی کشاورزی، کاربست تجربیات مترقی و دستاوردهای علمی - فنی در تولید، افزایش بهره‌وری و کیفیت کار و بالابردن سطح مادی و معنوی زندگی مبذول خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین وظایف مسابقه تولید در آستانه جشن بزرگ ما آنست که، مطالعه و کاربست تجربیات اتحاد شوروی را بهبود بخشیم.

۳- برای تدارک شصتمین سالگرد انقلاب خلقی در همه «آیماک» (مراکز متحرک دامداران) ها و شهرها، در وزارتخانه‌ها و دیگر ارگانهای دولتی، کمیسیون‌های ویژه‌ای تشکیل خواهد شد.

۴- بکمک برنامه‌های مشخص و بافتار شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان و برگزاری هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، طرح‌های همه‌جانبه، در گستره‌های تربیتی - تبلیغاتی و سیاسی - ایدئولوژیک اجرا خواهد گشت.

۵- کمیته‌های حزبی در «آیماک» ها و شهرها، کمیته‌های اجرایی شوراها (هورال) های خلق، «کمیته آغازگران نبرد انقلابی»، کمیته مرکزی «اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان» و شورای مرکزی «سازمان پیشاهنگان مغولستان» وظیفه دارند که به تازمین امکان تاریخی، که با پیکار انقلابی خلق مغول هم‌پیوندند، بپردازند.

۶- بکمک برنامه‌های مشخص و بافتار شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان و برگزاری هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، طرح‌های همه‌جانبه، در گستره‌های تربیتی - تبلیغاتی و سیاسی - ایدئولوژیک اجرا خواهد گشت.

۷- کمیته‌های حزبی در «آیماک» ها و شهرها، کمیته‌های اجرایی شوراها (هورال) های خلق، «کمیته آغازگران نبرد انقلابی»، کمیته مرکزی «اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان» و شورای مرکزی «سازمان پیشاهنگان مغولستان» وظیفه دارند که به تازمین امکان تاریخی، که با پیکار انقلابی خلق مغول هم‌پیوندند، بپردازند.

۸- بکمک برنامه‌های مشخص و بافتار شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان و برگزاری هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، طرح‌های همه‌جانبه، در گستره‌های تربیتی - تبلیغاتی و سیاسی - ایدئولوژیک اجرا خواهد گشت.

۹- کمیته‌های حزبی در «آیماک» ها و شهرها، کمیته‌های اجرایی شوراها (هورال) های خلق، «کمیته آغازگران نبرد انقلابی»، کمیته مرکزی «اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان» و شورای مرکزی «سازمان پیشاهنگان مغولستان» وظیفه دارند که به تازمین امکان تاریخی، که با پیکار انقلابی خلق مغول هم‌پیوندند، بپردازند.

۱۰- بکمک برنامه‌های مشخص و بافتار شصتمین سالگرد انقلاب خلقی مغولستان و برگزاری هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، طرح‌های همه‌جانبه، در گستره‌های تربیتی - تبلیغاتی و سیاسی - ایدئولوژیک اجرا خواهد گشت.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

**NAMEH MARDOM**

No. 456  
1 March 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹  
۱۴ پستی تهران